



مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان با افتخار تقدیم می کند

اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی

مجموعه علوم سیاسی

از سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

سید محمدحسین موسوی
بهنام خسروی

مؤسسه آموزش عالی آزاد



ماهان

www.mahan.ac.ir

سرشناسه	• موسوی، سید محمدحسین
عنوان و نام پدیدآور	• اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی: مجموعه علوم سیاسی
مشخصات نشر	• تهران، مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	• ۱۹۶ ص: ۲۹×۲۲ س.م.
فروست	• سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	• ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۶۴-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	• فیپای مختصر
یادداشت	• فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nali.ir قابل دسترسی است
شناسه افزوده	• خسروی، بهنام
شماره کتاب‌شناسی ملی	• ۳۲۰۷۳۶۵



مجموعه علوم سیاسی

اصول روابط بین المللی و سیاست خارجی

● ناشر	• مشاوران صعود ماهان
● مدیر مسئول	• هادی سیاری - مجید سیاری
● مدیر برنامه‌ریزی و تولید	• محسن صداقت
● به قلم	• سید محمدحسین موسوی - بهنام خسروی
● ویراستار ادبی	• مریم مجاور
● گرافیک	• حامد شاملو
● طراح جلد	• سمیرا خانزاد
● نوبت و تاریخ چاپ	• اول / ۱۴۰۲
● شمارگان	• ۱۰۰۰ نسخه
● قیمت	• ۳/۲۳۰/۰۰۰ ریال
● شابک	• ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۷۶۴-۸

نشانی: تهران، خیابان
ولی عصر - بالاتر از
تقاطع مطهری - جنب
بانک ملی پلاک ۲۰۵۰
شماره تماس:
۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

«ن والقلم وما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد. به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، مؤسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، گام مؤثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این مؤسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد.

مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تألیف شده‌است. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

دیگر تألیفات ماهان برای دانشجویان به‌صورت ذیل است: مجموعه کتاب‌های ۸ آزمون: شامل ۵ مرحله کنکور کارشناسی ارشد ۵ سال اخیر به همراه ۳ مرحله آزمون تألیفی ماهان همراه با پاسخ تشریحی است که برای آشنایی با نمونه سؤالات کنکور طراحی شده است. این مجموعه کتاب‌ها با توجه به تحلیل ۳ ساله اخیر کنکور و بودجه‌بندی مباحث در هریک از دروس، اطلاعات مناسبی برای برنامه‌ریزی درسی در اختیار دانشجو قرار می‌دهد.

مجموعه کتاب‌های کوچک: شامل کلیه نکات کاربردی در گرایش‌های مختلف کنکور کارشناسی ارشد است که برای دانشجویان به‌منظور جمع‌بندی مباحث در ۲ ماهه آخر قبل از کنکور مفید است.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مؤلفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و بروزرسانی تألیفات ماهان نقش مؤثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم. دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد در خصوص تألیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

مقدمه مؤلف

روابط بین‌الملل علمی نوظهور در عرصه سیاست و علوم اجتماعی است. رشته روابط بین‌الملل برای اینکه سیاست بین‌الملل و روابط بین کشورها را تبیین کند، تئوری‌های متعددی را مطرح می‌کند که با توجه به آن‌ها می‌توان سیاست بین‌الملل را بهتر درک کرد. یکی دیگر از دروس کلیدی از زیرشاخه‌های علوم سیاسی نیز اصول روابط بین‌الملل است که کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در این زمینه نگاشته شده است. در این مجموعه سعی شده است تا مهم‌ترین کتاب‌ها و مفاهیم در این زمینه به دانشجویان متقاضی شرکت در رشته روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای ارائه شود. به امید آنکه این مجموعه در راه رسیدن به هدف، شما عزیزان را یاری کند.

به امید موفقیت شما

سید محمد حسین موسوی

فهرست مطالب

فصل اول: سیر مطالعات روابط بین الملل

- مشکلات بررسی علمی روابط بین الملل ۸
- عناصر تشکیل دهنده دولت ۹
- سؤالات چهارگزینه‌ای فصل اول ۱۱

فصل دوم: نظام‌های بین الملل

- عناصر تشکیل دهنده نظام ۱۶
- ویژگی‌های نظام ۱۶
- انواع نظام‌های بین الملل ۱۷
- سؤالات چهارگزینه‌ای فصل دوم ۱۹

فصل سوم: رهیافت قدرت

- موازنه قوا و سیاست بین الملل ۲۷
- عناصر تشکیل دهنده قدرت ۲۸
- سؤالات چهارگزینه‌ای فصل سوم ۳۲

فصل چهارم: رهیافت تصمیم‌گیری

- معیارهای تصمیم‌گیری ۴۰
- انواع مدل‌های تصمیم‌گیری ۴۰
- سؤالات چهارگزینه‌ای فصل چهارم ۴۱

فصل پنجم: منافع ملی و اهداف ملی

- تعریف منافع ملی ۴۸
- اهداف ملی ۵۰
- سؤالات چهارگزینه‌ای فصل پنجم ۵۲

فصل ششم: سیاست خارجی

- مدل‌های سیاست خارجی ۶۰
- استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌ها ۶۰
- عوامل مؤثر در از میان رفتن اتحادها و تعهدات ۶۴
- معیارها و مدل‌های مختلف در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ۶۴
- سؤالات چهارگزینه‌ای فصل ششم ۶۵

فصل هفتم: نظریه‌های روابط بین‌الملل

۷۲ بررسی نظریات مهم در روابط بین‌الملل

۷۲ واقع‌گرایی

۷۳ نظریه نئورئالیسم در روابط بین‌الملل

۷۶ نو واقع‌گرایی

۷۸ آرمان‌گرایی

۷۹ صلح دموکراتیک

۸۰ لیبرالیسم اقتصادی

۸۱ رئالیسم تدافعی و امنیت

۸۳ رئالیسم تهاجمی

۸۵ نظریه‌های همگرایی

۱۰۲ امکان تحول در روابط بین‌الملل

۱۰۸ هستی‌شناسی سازده‌انگاران

۱۱۸ نظریه ژئوپلیتیک

۱۱۲ مکتب انگلیسی

۱۱۷ تحول در نظام بین‌الملل

۱۱۸ نظریه پساتجددگرایی

۱۲۱ متن‌انگاری و مفاهیم پایه در روابط بین‌الملل

۱۲۹ رویکردهای انتقادی و بازتابی در روابط بین‌الملل

۱۳۷ سوالات چهارگزینه‌ای فصل هفتم

۱۵۵ پاسخنامه تشریحی سوالات چهارگزینه‌ای

۱۹۵ منابع

فصل اول

سیر مطالعات روابط بین الملل

مهم ترین عناوین فصل

❑ مشکلات بررسی علمی روابط بین الملل

❑ عناصر تشکیل دهنده دولت

تا قبل از پایان جنگ جهانی دوم، مطالعات مربوط به حوزه روابط بین الملل در قالب اندیشه‌ها و تفکرات سیاسی و همچنین تجزیه و تحلیل رویدادهای بین‌المللی بر اساس بررسی‌های روزنامه‌ای و تاریخ‌نگاری صورت می‌گرفت و معمولاً استمرار منظمی نداشت.

با توجه به ناتوانی سنت‌گرایان در تحلیل و تبیین رفتار دولت‌ها در صحنه سیاست بین‌الملل، محققان به اتخاذ روش‌های علمی روی آوردند. محققان روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم بر آن شدند که باید به سلسله الگوهای رفتاری پایدار و تکرارشونده‌ای دست یابند تا در پرتو قوانین و اصول کلی قابل تعمیم بتوانند رفتارهای واحدهای سیاسی را تبیین و پیش‌بینی کنند.

بدین‌سان مطالعات «علمی» در روابط بین‌الملل رونق گرفت و بسیاری از محققان روابط بین‌الملل کوشیدند در مطالعات خود از روش‌های علمی بهره گیرند. در حوزه مطالعاتی سیاست بین‌الملل، مطالعات معطوف به یافتن **قانونمندی‌های رفتاری** است که ساختار عمل و رفتار (پویا) بازیگران و قدرت‌ها را وصف و تفسیر می‌کند. اما بر عکس در حقوق بین‌الملل از **رفتارهای قانونمند** بحث به میان می‌آید و نه قانونمندی‌های رفتار که در حوزه سیاست بین‌الملل مطرح است.

برای پیدا کردن قانونمندی‌های رفتاری که بتوان رفتار بازیگران را در عرصه روابط بین‌الملل پیش‌بینی کرد و یا به فهم محققان در این زمینه کمک کند، معیارهایی نیاز است. در اینجا بود که محققان ۲ معیار را برای تبیین رفتار بازیگران مطالعه کردند و آن‌ها را مهم و سرنوشت‌ساز معرفی کردند:

۱- بازیگران دولتی ۲- بازیگران غیردولتی.

که البته هر یک از محققان و یا هر گروه از آنان به یکی از این ۲ معیار بیشتر توجه می‌کردند که این خود باعث تفکیک بین شیوه و روش تحقیق محققان گردید. مثلاً رئالیسم بیشتر بر بازیگران دولتی تأکید دارد و نظام بین‌الملل را دولت محور می‌داند.

ایدئالیست‌ها علاوه بر تأکید بر نقش دولت بر نقش بازیگران غیردولتی (مؤسسات، نهادها و شرکت‌های چندملیتی) نیز تأکید می‌کنند و آن‌ها را نیز در تعیین مسیر رفتار دولت‌ها و تعیین مسیر جریان‌ات بین‌المللی مهم می‌دانند.

اما آن چیزی که محققان روابط بین‌الملل بر آن متفق‌اند تأکید بر دولت به‌مثابه اصلی‌ترین بازیگر در سطح بین‌الملل است.

■ مشکلات بررسی علمی روابط بین‌الملل

مشکلاتی چند در بررسی علمی روابط بین‌الملل وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- **ناهمگونی جامعه بین‌المللی:** جامعه بین‌الملل ترکیب ناهمگونی دارد. واحدهای سیاسی متعددی با ساختارهای متفاوت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در آن زیست می‌کنند که هر یک از آن‌ها، منافع خاصی را دنبال می‌کنند که بعضاً با منافع واحدهای دیگر در تعارض‌اند.

۲- **تعدد متغیرها:** عوامل و متغیرهای زیادی در به‌وجود آمدن یک جریان و یا یک بحران در یک منطقه خاص و یا در کل سیستم بین‌الملل دخیل‌اند که در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت این متغیرها یکسان نیستند و در ضمن اگر یکسان نیز باشند، مشخص کردن آن‌ها و به‌ترتیب در آوردن آن‌ها کاری بس دشوار است.

۳- **وجود بازیگران غیردولتی:** گرچه در فرایند مطالعه ابعاد گوناگون سیاست بین‌الملل عمدتاً بر نقش واحدهای رسمی حکومتی (دولت‌ها) تأکید می‌شود، به هیچ وجه نمی‌توان نقش و اهمیت جنبه‌های استقلال‌طلبانه، سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی، اتحادیه‌ها و انجمن‌های بین‌الملل را نادیده گرفت. در حالی که رفتار دولت‌ها را تا اندازه‌ای می‌توان بر اساس الگوهای حکومتی و ساختارهای تصمیم‌گیری و منافع ملی آن کشور اندازه‌گیری کرد. برای نمونه، پیش‌بینی رفتار و تجزیه و تحلیل «بین‌الملل دوم» برای دولت‌های سرمایه‌داری به مراتب بیشتر و مشکل‌تر از پیش‌بینی رفتار «بین‌الملل سوم» یا کمینترن بود که در قالب حکومتی اتحاد جماهیر شوروی بروز کرد.

۴- **دگرگونی در شرایط و مقتضیات بین‌الملل‌ها:** درواقع مشکل اصلی در این است که سیاست بین‌الملل در محیطی پویا عمل می‌کند؛ بنابراین محقق روابط بین‌الملل باید به تمامی جنبه‌های ثابت و نیز تغییرپذیر رویدادها توجه کند.

تعریف دولت - کشور: دولت به‌معنای خاص کلمه و نهادی خاص برای تأمین امنیت تبدیل شده است. مبنای دولت سرزمینی و جمعیتی است و گوهر آن حاکمیت است. مفهوم دولت در نظام بین‌الملل بعد از قرارداد وستفاليا ۱۶۴۸ به‌وجود آمد. عامل اصلی امضای قرارداد وستفاليا نیز جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی بود. قرارداد وستفاليا از دو بخش اسنابروک و مونستر تشکیل می‌شد.

عناصر تشکیل دهنده دولت



دولت باز یگر اصلی در نظام بین الملل شناخته می شود که چهار عنصر دارد: جمعیت، سرزمین، حکومت، حاکمیت.

۱- جمعیت: کم و کیف جمعیت از لحاظ حقوقی تأثیر چندانی در ایجاد دولت ندارد. ما در نظام بین الملل کنونی کشورهایی را می بینیم که کمتر از يك میلیون جمعیت دارند و بر عکس کشورهایی را نیز مشاهده می کنیم که بیشتر از يك میلیارد جمعیت دارند. اما آن چیزی که جمعیت به حکومتها اهدا می کنند و باعث تغییر در کیفیت آن ها می شوند، کمیت جمعیت است. چنانچه جمعیت از لحاظ ترکیب آن یکدست تر و همگون تر باشد و از لحاظ علمی و تخصصی در سطح بالایی قرار داشته باشد، قدرت ملی آن کشور نیز بیشتر می شود و از قدرت مانور بیشتر در سطح نظام بین الملل برخوردار می شود. از لحاظ تاریخی، گاه کشورهایی چون آلمان با بهانه قرارداد نژاد سعی می کردند جمعیت کیفی و کارآمد دیگر کشورها را به دست آورند. هیتلر در ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۸ در کنفرانس مونیخ توانست بریتانیا، فرانسه و ایتالیا را مجاب کند تا منطقه «سودت» از خاک چک و اسلواکی امروزی را به آلمان واگذار کنند که این سیاست را «سیاست مجاب سازی» نام نهاده اند.

۲- سرزمین: از لحاظ حقوقی، وسعت سرزمین شرط تشکیل دولت به حساب نمی آید. ولی در حوزه مطالعات سیاست بین الملل و مطالعه قدرت دولت ها، کم و کیف سرزمین اهمیت دارد. عنصر سرزمین باید از لحاظ هندسی، موقعیت ژئوپولیتیک، وسعت، وضع طبیعی، اوضاع اقلیمی و مرزبندی ها و نظایر آن مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، وسعت خاک شوروی این کشور را از حملات ناپلئون و هیتلر مصون داشت و خطوط مواصلاتی دشمن را پراکنده ساخت. همچنین وجود مرزهای آبی برای بریتانیا این موقعیت مناسب را فراهم ساخت تا در طول ۹۰۰ سال هیچ دولتی نتواند يك تهاجم مؤثر علیه این کشور شکل بدهد. همچنین شکل دولت زمینه ساز عمق و یا محدودیت نفوذ استراتژیک است. روسیه دارای این عمق استراتژیک است ولی اسرائیل فاقد این عمق استراتژیک است.

۳- حکومت: ابزار سازماندهی و مدیریت نظام داخلی و نمایندگی خارجی هر جامعه را حکومت تشکیل می دهد. سیستم حکومت در تمامی کشورها وجود دارد ولی شکل حکومت آن ها را از یکدیگر متمایز می کند. شکل حکومت مثلاً دموکراتیک یا غیردموکراتیک، برای بررسی سیاست خارجی و سیستم تصمیم گیری در يك کشور بسیار اهمیت دارد. برای نمونه افراد بسیاری، که درباره سیستم تصمیم گیری در سیاست خارجی آمریکا و شوروی تحقیق کرده اند، معتقدند اتحاد جماهیر شوروی در مقایسه با آمریکا با مشکلات کمتری در سیستم تصمیم گیری روبه رو بوده است. چون در آمریکا، به دلیل دموکراتیک بودن شکل حکومت، مراکز متعدد تصمیم گیری وجود دارد بر خلاف اتحاد جماهیر شوروی.

۴- حاکمیت: این عنصر نامرئی و غیرقابل مشاهده است که اغلب آن را به معنای قدرت مافوق یا قدرت عالی به کار برده اند. در چارچوب نظام بین الملل آن را به مفهوم «استقلال» و در نظام داخلی به معنای «آزادی» تعبیر کرده اند. حاکمیت اولین بار توسط ژان بدُن در قرن ۱۶ میلادی برای تشریح بخشی از فلسفه سیاسی مذکور به کار برده می شود.

در مجموع، عناصر تشکیل دهنده دولت يك کل تجزیه ناپذیر است و فقدان یا کاستی در هر کدام موقعیت دولت را به مثابه يك واحد سیاسی خدشه دار می کند. سه عنصر اساسی تشکیل دولت (سرزمین، جمعیت و حکومت) عناصر ذاتی تشکیل دهنده دولت محسوب می شوند ولی تنها عنصر گوهری دولت «حاکمیت» است.

انواع شناسایی دولت ها



يك دولت در وضعیتی می تواند وارد صحنه بین الملل شود و با سایر واحدهای سیاسی ارتباط برقرار کند که مورد شناسایی دیگران قرار گیرد. شناسایی به دو صورت است:

۱- دو فاکتو، ۲- دوژور

۱- دو فاکتو: موقتی و محدود است و ممکن است بعد از مدتی لغو و یا به دوژور تبدیل شود.

۲- دوژور: این نوع شناسایی قطعی و کامل است و معمولاً هنگامی صورت می گیرد که تردیدها در مورد ثبات قدرت سیاسی يك دولت یا حکومت جدید از میان برود. در این مرحله است که دولت ها، به منظور برقراری روابط دیپلماتیک و کنسولی، نمایندگان خود را به دولت جدید یا حکومت جدید معرفی می کنند.

در عمل، شناسایی يك کشور با توجه به ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک صورت می گیرد و معیارهای حقوقی را تحت الشعاع قرار می دهد. برای نمونه، دولت تازه استقلال یافته الجزایر قبل از اینکه کاملاً به اوضاع مسلط شود مورد شناسایی بسیاری از دولت های آفریقایی قرار گرفت. همچنین دولت های سرمایه داری غربی، بنا به ملاحظات ایدئولوژیک و سیاسی، برای مدت طولانی از شناسایی نظام بلشویکی در شوروی خودداری کردند. آمریکا شناسایی شوروی را تا اوایل دهه ۱۹۳۰ به تعویق انداخت. بریتانیا نیز شناسایی شوروی را مشروط به خودداری «کمیترن» از تبلیغات در سرزمین های تحت استعمار بریتانیا کرد و متقابلاً قول داد که از ارسال اسلحه و نیروی نظامی به گروه های ضدانقلاب در خلال جنگ های داخلی شوروی اجتناب ورزد.



نکات کلیدی فصل اول

- بین الملل (انترناسیونال) دوم: در سال ۱۸۸۹ در پاریس به وجود آمد و تا سال ۱۹۱۴ به حیات خود ادامه داد. دو جناح در بین الملل دوم به وجود آمد: جناح چپ، معتقد به خطمشی انقلابی و خشونت بود و برای از بین بردن نظام سرمایه داری و جناح راست، به روش های مشروع پارلمانی برای دگرگونی سیستم سرمایه داری معتقد بود. با جنگ جهانی اول و اختلاف در احزاب سوسیالیست بین الملل دوم منحل شد.
- بین الملل سوم (کمینترن): در سال ۱۹۱۹ در مسکو تشکیل شد. این بین الملل خطمشی ها را برای به قدرت رسیدن احزاب کمونیسم در کشورهای سرمایه داری تعقیب می کرد. در سال ۱۹۴۳ استالین به نشان همکاری با دولت های سرمایه داری غرب، برای مقابله با نیروهای محور، انحلال آن را اعلام کرد.
- لوئی چهاردهم، زمانی خطاب به پارلمان، خود را منشأ نظم عمومی و مظهر حاکمیت می نامید.
- خصوصیت سرزمین یکی از خصایص متمایزکننده دولت - کشور از امپراطوری است.
- حاکمیت تجلی قدرت است.
- قدرت در مقابل دشمنان است و اقتدار در عرصه داخلی.
- مفهوم حاکمیت امری انتزاعی است و نه انضمامی.
- در حوزه دولت، حاکمیت می تواند لایه های مختلفی داشته باشد. مثلاً دولت فدرال تجلی حاکمیت چند لایه است نه چند حاکمیت.
- ویژگی های حاکمیت ها:
- الف) دائمی بودن
- ب) غیرقابل تقسیم بودن
- ج) مطلق بودن
- هم گوهر و هم ذات رشته روابط بین الملل سیاسی است و نهاد حقوقی سازمان ملل در ساختار قدرت روابط بین الملل نقش اساسی ندارد.
- اولین کرسی روابط بین الملل در سال ۱۹۱۹ در دانشگاه ولز تأسیس شد.
- در سطح بین الملل بازی قدرت مطرح است، نه تمکین به اقتدار.
- نظریه روابط بین الملل نظریه بقا است.
- علت اولیه فقدان يك نظریه در روابط بین الملل حاکم بودن دیدگاه فلسفی تا پایان جنگ های ناپلئون در سیاست بین الملل بود.



سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری فصل اول

(سال ۷۷)

۱- ویژگی‌های نظام بین‌المللی در آخر قرن بیستم کدام جابه‌جایی‌های زیر است؟

- (۱) تأکید بر مسائل سیاسی و امنیتی به جای مسائل رفاهی و اجتماعی
- (۲) درونی شدن سیاست به جای جدایی سیاست داخلی از خارجی
- (۳) سیاست‌های ملایم به جای سیاست‌های حاد
- (۴) وابستگی متقابل به جای خلع سلاح عمومی

(سال ۷۸)

۲- فرضیه اصلی بازدارندگی کدام است؟

- (۱) ایجاد سرزمین حائل موجب بازدارندگی طرفین از جنگ است.
- (۲) تهدید مکفی ارزش‌های طرف مهاجم موجب کنار گذاشتن تجاوز نظامی می‌شود.
- (۳) خلع سلاح موجب کنارگذاشتن تجاوز نظامی خواهد شد.
- (۴) مذاکره و همکاری موجب کنارگذاشتن تجاوز نظامی می‌شود.

(سال ۷۸)

۳- در سطح تحلیل کلان بین‌المللی کدام مسائل مورد توجه قرار می‌گیرد؟

- (۱) پویش‌های بین‌المللی
- (۲) مسائل عمده بین‌المللی
- (۳) مسائل کلی بین‌المللی
- (۴) مسائل گسترده

(سال ۷۹)

۴- مقصود از اتحاد دامنظوری عبارت است از اتحاد:

- (۱) یک دولت طرفدار حفظ وضع موجود با یک دولت تجدیدنظرطلب
- (۲) دو دولت طرفدار حفظ وضع موجود به منظور مهار کردن دولت تجدیدنظرطلب
- (۳) دو دولت تجدیدنظرطلب برای مهار کردن دولت طرفدار حفظ وضع موجود
- (۴) دو دولت تجدیدنظرطلب برای مهار دولت تجدیدنظرطلب ثالث

(سال ۷۹)

۵- دیدگاهی که روابط میان کشورها را ترکیبی از همکاری و تضاد می‌داند متأثر از افکار کدام دانشمند است؟

- (۱) روسو
- (۲) کانت
- (۳) گروسیوس
- (۴) لاک

(سال ۷۹)

۶- سیاست بین‌الملل یعنی مطالعه روابط متقابل:

- (۱) افراد در روابط بین‌الملل
- (۲) نهادهای غیررسمی در صحنه بین‌الملل
- (۳) نهادهای رسمی در صحنه بین‌الملل
- (۴) نهادهای رسمی و غیررسمی در صحنه بین‌الملل

(سال ۷۹)

۷- از دیدگاه ایدئالیست‌ها عامل مؤثر در واگرایی و ستیزش در روابط بین‌الملل چیست؟

- (۱) متغیرهای نظام بین‌الملل
- (۲) متغیرهای اجتماعی
- (۳) نخبگان سیاسی
- (۴) واحدهای مجزای سیاسی و حاکمیت‌های جداگانه

(سال ۸۰)

۸- از جمله اهداف رفتارگرایی چیست؟

- (۱) مطالعه و بررسی مسائل روز
- (۲) به‌کارگیری روش کیفی در مطالعات بین‌المللی
- (۳) تلفیق روش کمی و کیفی در مطالعات بین‌المللی
- (۴) جایگزین کردن قضاوت عینی به جای داوری ارزشی

(سال ۸۰)

۹- در پویش وابستگی متقابل، به کدام دلیل امکان صلح‌گرایی بیشتر است؟

- (۱) بازدارندگی
- (۲) عقلایی شدن بازیگران
- (۳) شکل‌گیری منافع مشترک
- (۴) آسیب‌پذیری و حساسیت متقابل

(سال ۸۰)

۱۰- از جمله دلایل تأخیر ورود به عرصه نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل کدام است؟

- (۱) حاکم بودن دیدگاه فلسفی
- (۲) ویژگی‌های ساختاری نظام بین‌الملل
- (۳) تعداد اندک بازیگران رسمی حکومتی
- (۴) نبود ارتباط میان محققان روابط بین‌الملل

۱۱- علت اولیه فقدان یک نظریه در روابط بین‌الملل تا پایان جنگ‌های ناپلئون، حاکم بودن دیدگاه در سیاست بین‌الملل بود.

(سال ۸۱)

- (۱) فلسفی
- (۲) تاریخی
- (۳) اخلاقی - حقوقی
- (۴) تقلیل‌گرایانه

۱۲- یک عنصر در رفتارهای سیاسی وجود دارد که باعث حساس کردن سیاست نسبت به تحلیل تئوریک می شود.

(سال ۸۱)

- (۱) اخلاقی (۲) منطقی (۳) مفهومی (۴) توجیهی

(سال ۸۱)

۱۳- پویای های اساسی درون نظام را از لحاظ مفهومی به کدام دسته می توان تقسیم کرد؟

- (۱) جنگ سرد- جنگ گرم (۲) واگرایی- همگرایی (۳) وابستگی- استقلال (۴) همگرایی- وابستگی متقابل

(سال ۸۱)

۱۴- در پرتو جهانی شدن، تصمیمات سیاسی کمتر و بیشتر است.

- (۱) نظامی- محور، دانش- محور (۲) اقتدار- محور، قدرت- محور (۳) دانش- محور، قدرت- محور (۴) دانش- محور، اقتدار- محور

(سال ۸۱)

۱۵- از جمله مهم ترین تحولات کیفی نظم نوین جهانی، افزایش، تقدم و اهمیت است.

- (۱) دولت ها بر ملت ها (۲) فرد بر نهاد سیاسی (۳) اطلاعات (۴) سازمان ها

(سال ۸۱)

۱۶- آن نوع نظریه پردازی، که بعد از پایان جنگ دوم جهانی آغاز شده، جنبه دارد.

- (۱) تکنیکی و منطقی (۲) کلیشه ای (۳) عملی و عینی (۴) علم تجربی

(سال ۸۲)

۱۷- شوروی ها رئالیست های سیاسی غرب به جنبه های گوناگون موازنه قدرت توجه داشتند.

- (۱) به مثابه (۲) بیش از (۳) کمتر از (۴) بر خلاف

(سال ۸۲)

۱۸- یکی از اهداف رفتارگرایی در روابط بین الملل عبارت است از:

- (۱) به کارگیری روش قیاسی (۲) به کارگیری روش تاریخی- توصیفی (۳) عینی گرایی به جای ذهنی گرایی (۴) به کارگیری قضاوت ارزشی به جای قضاوت عینی

۱۹- در فرایند تجدیدنظر در الگوی سیاست خارجی، باید علاوه بر متغیرهای مستقل و وابسته، به متغیرهای توجه داشت.

(سال ۸۳)

- (۱) میان گیر (۲) تحمیلی (۳) ترفیعی (۴) همبسته

(سال ۸۴)

۲۰- مهم ترین اصل بنیادی نظم بین المللی و ستفالیایی کدام است؟

- (۱) حاکمیت انسان (۲) حاکمیت افراد (۳) حاکمیت ملی (۴) حاکمیت اخلاق

(سال ۸۵)

۲۱- ۱۰- مدل فزاینده در موقعیت توجه سیاست گذاران را به خود جلب می کند.

- (۱) زمان بسیار اندک (۲) زمان کافی (۳) ثابت (۴) متغیر

(سال ۸۵)

۲۲- منطق رقابتی سیاست قدرت

- (۱) سبب رشد و توسعه هنجارهای جهانی می شود. (۲) سبب ظهور هنجارهای نوین و افول توافقی های قبلی می شود. (۳) از ایجاد توافق در زمینه اصول و هنجارهای جهانی پیشگیری می کند. (۴) زمینه های حرکت از هنجارهای خاص گرایانه به عام گرایانه را فراهم می کند

(سال ۸۵)

۲۳- نظریه پردازی در علوم سیاسی نیازمند کدام عمل است؟

- (۱) تمایز قایل شدن بین خطامشی ها (۲) نظم بخشیدن به داده ها (۳) متبلور ساختن ارزش ها (۴) جهت دادن به سیاست ها

(سال ۸۶)

۲۴- استقلال طلبی در روابط بین الملل است.

- (۱) تجلی رهیافت واقع گرایان (۲) تجلی رهیافت آرمان گرایان (۳) راهنمایی واقعی (۴) راهنمایی آرمانی

(سال ۸۶)

۲۵- مطالعه قانونمندی رفتار دولت ها را در اصطلاح چه می نامند؟

- (۱) اصول روابط بین الملل (۲) تاریخ روابط بین الملل (۳) جامعه شناسی بین الملل (۴) حقوق بین الملل

۲۶- نظریه پردازی روابط بین الملل پس از جنگ جهانی دوم عمدتاً جنبه داشته است. (سال ۸۶)
(۱) تاریخی (۲) حقوقی (۳) فلسفی (۴) انتزاعی

۲۷- سازمان های و دو دسته از سازمان های بین المللی اند می باشند که به مقتضای اهداف جهان شمول سیاسی ایجاد شده اند. (سال ۸۶)

(۱) اقتصادی - فرهنگی (۲) ارتباطی - فرهنگی (۳) اجتماعی - فرهنگی (۴) بین حکومتی - غیرحکومتی
۲۸- کار ویژه ملت - دولت است. (سال ۸۶)
(۱) تأمین آسایش (۲) تأمین نظم (۳) حاکمیت انسانی (۴) حاکمیت ارزش ها

۲۹- از نظر لیبرالیسم منافع ملی دولت ها
(۱) مجموعه ای یکپارچه نیست. (۲) از طریق چانه زنی های بوروکراتیک حاصل نمی شود.
(۳) در چارچوب های تثبیت شده ای تبیین می شود. (۴) محصول وحدت میان گروه های نظامی و سیاستمداران است.

۳۰- گرایش «سیاست خارجی مقایسه ای» در خلال کدام مناظره به وجود می آید؟ (سال ۸۷)
(۱) اول (۲) دوم (۳) سوم (۴) چهارم

۳۱- در کدام یک از امواج تئوریک در روابط بین الملل، محققان حساسیت زیادی نسبت به توسعه نیافتگی تئوریک این رشته مطالعاتی در مقایسه با سایر رشته های علوم اجتماعی ابراز کردند؟ (سال ۸۸)
(۱) اول و دوم (۲) سوم (۳) چهارم (۴) سوم و چهارم

۳۲- در خلال مناظره بزرگ اواسط دهه ۱۹۶۰ توجه چندانی به جنبه های
(۱) معرفت شناختی نشد، بلکه عمدتاً بر مسائل هستی شناختی عنایت شد.
(۲) روش شناختی نشد بلکه عمدتاً بر مسائل هستی شناختی و معرفت شناختی تأکید گردید.
(۳) هستی شناختی و روش شناختی نشد، بلکه تأکید صرفاً بر مسائل معرفت شناختی بود.
(۴) هستی شناختی و معرفت شناختی نشد، بلکه به ابعاد خیلی محدود روش شناسی بسنده شد.

۳۳- مطالعه «علمی» روابط بین الملل معطوف به شناخت در حوزه بازی قدرت است. (سال ۹۰)
(۱) رفتار قانون مند (۲) بازیگران رسمی و غیررسمی (۳) بایدها و نبایدها (۴) قانون مندی رفتاری

۳۴- در نسل اول تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، محققان در صدد کشف بودند. (سال ۹۳)
(۱) هنجارها و قواعد بازی نظام بین الملل (۲) ویژگی های ساختاری نظام های سیاسی
(۳) رویکردهای بدیل نظری برای واقع گرایی (۴) ارتباط میان رهیافت های گوناگون تئوریک و جنبه های مختلف عملیاتی



سؤالات چهارگزینه ای کنکور آزاد فصل اول

۳۵- چرا برخی از اندیشمندان واژه مطالعات بین الملل را به جای روابط بین الملل به کار می گیرند؟ (سال ۹۳)
(۱) فرقی با هم ندارند.
(۲) روابط بین الملل معاصر به حقوق بشر، محیط زیست، سازمان ها و هم توجه دارد.
(۳) مطالعات بین الملل دقیق تر است.
(۴) روابط بین الملل نامفهوم است.



سؤالات چهارگزینه ای تالیفی فصل اول

۳۶- ناتوانی کدام گروه در تحلیل رفتارها در روابط بین الملل باعث گرایش به مطالعه علمی در این زمینه شد؟
(۱) رفتارگرایان (۲) فرار رفتارگرایان (۳) حقوقدانان (۴) سنت گرایان

۳۷- در روابط بین الملل چه نوع رفتارهایی مبنا قرار می گیرند؟
(۱) قانون مندی های رفتاری (۲) رفتارهای قانونمند (۳) رفتار قدرت های بزرگ (۴) قواعد و رفتار سازمان های بین المللی

۳۸- کدام يك از مشكلات بررسی علمی روابط بین الملل نیست؟

- (۱) کمیت پذیری عوامل کیفی
(۲) دگرگونی در شرایط و مقتضیات بین المللی
(۳) ناهمگونی جامعه بین الملل
(۴) وجود بازیگران غیردولتی

۳۹- بین الملل دوم در چه سالی شروع و در چه سالی به پایان رسید؟

- (۱) ۱۸۹۲ - ۱۹۱۲ (۲) ۱۸۸۹ - ۱۹۱۹ (۳) ۱۹۱۹ - ۱۹۴۳ (۴) ۱۸۸۹ - ۱۹۱۴

۴۰- بین الملل دوم به چه دلیل منحل شد؟

- (۱) پایان جنگ جهانی اول
(۲) اختلاف در احزاب سوسیالیسم
(۳) تشکیل حکومت کمونیستی در شوروی
(۴) پایان جنگ جهانی اول و اختلاف در احزاب سیاسی

۴۱- بین الملل سوم در چه سالی آغاز و در چه سالی منحل شد؟

- (۱) ۱۹۱۹ - ۱۹۴۳ (۲) ۱۹۱۴ - ۱۹۴۳ (۳) ۱۹۱۹ - ۱۹۴۵ (۴) ۱۹۱۸ - ۱۹۴۳

۴۲- علت شکل گیری بین الملل سوم چه بود؟

- (۱) مقابله با کشورهای سرمایه دار غربی
(۲) بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای جهان سوم
(۳) به قدرت رسیدن احزاب کمونیسم در کشورهای سرمایه داری
(۴) به قدرت رسیدن بلشویک ها در روسیه

۴۳- کمینترن یا بین الملل سوم به چه دلیل منحل شد؟

- (۱) ناکارایی آن
(۲) تضعیف شوروی
(۳) ناتوانی مالی
(۴) به نشانه همکاری با غرب و مقابله با نیروهای محور

۴۴- هیتلر چگونه سودت را به اشغال درآورد؟

- (۱) در سال ۱۹۴۲ با حمله به چک اسلواکی
(۲) توافق با ایتالیا و فرانسه
(۳) از طریق کنفرانس مونیخ ۱۹۳۸
(۴) برگزاری همه پرسی

۴۵- کدام يك از عناصر تشکیل دهنده دولت عنصر ذاتی آن نیست؟

- (۱) سرزمین (۲) حکومت (۳) جمعیت (۴) حاکمیت

۴۶- شرط شناسایی شوروی از سوی انگلستان چه بود؟

- (۱) انحلال کمینترن
(۲) خودداری شوروی از تبلیغات در مستعمرات بریتانیا
(۳) اعلان جنگ شوروی به آلمان
(۴) شناسایی سایر دولت های سرمایه دار

۴۷- کدام يك از ویژگی های حاکمیت نیست؟

- (۱) دائمی بودن (۲) مطلق بودن (۳) غیرقابل تقسیم بودن (۴) شناسایی

۴۸- چه کسی خود را مظهر حاکمیت و منشأ نظم عمومی می دانست؟

- (۱) ملکه الیزابت (۲) لوئی چهاردهم (۳) ناپلئون (۴) لوئی شانزدهم

۴۹- علت اولیه فقدان يك نظریه در روابط بین الملل چه بود؟

- (۱) حاکم بودن دیدگاه حقوقی (۲) بی توجهی دانشگاہیان
(۳) حاکم بودن دیدگاه فلسفی (۴) حاکم بودن نظریات سیاستمداران

۵۰- مفهوم حاکمیت امری است.

- (۱) انتزاعی (۲) انضمامی (۳) ذاتی (۴) سیاسی

فصل دوم

نظام‌های بین‌الملل

مهم‌ترین عناوین فصل

❑ عناصر تشکیل دهنده نظام

❑ ویژگی‌های نظام

❑ انواع نظام‌های بین‌الملل

نظام بین الملل محیطی است که در آن واحدهای سیاست بین الملل عمل می کنند و در بیانی کامل تر «نظام از مجموعه ای متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هر گونه تغییر در هر يك از عناصر متشکله نظام به سایر بخش های آن نیز سرایت می کند و آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد.»

■ عناصر تشکیل دهنده نظام

- ۱- **نهاد:** مجموعه عناصری که به صورت خواسته ها، منافع، پشتیبانی ها و مخالفت ها وارد سیستم می شود و پس از تبادل میان محیط و سیستم به صورت داده از نظام خارج می شود.
- ۲- **محیط داخلی و خارجی:** محیط نظام بیشتر جنبه فرهنگی دارد؛ یعنی تصمیم های گرفته شده باید بر اساس سیستم ارزشی - اعتقادی و با بهره گیری از نمادها مشروع جلوه کند. میزان تبادل سیستم با محیطش میزان مردمی بودن نظام سیاسی را مشخص می کند.
- ۳- **داده:** داده عبارت است از نتیجه کار نظام که معمولاً به صورت استراتژی ها، تصمیمات و مانند آن ظاهر می شود.
- ۴- **بازخورد:** تأثیر داده بر نهاد را اصطلاحاً بازخورد می گویند که به صورت مثبت یا منفی عمل می کند.

■ ویژگی های نظام

- ۱- **همبستگی:** میان اجزای تشکیل دهنده نظام ارتباط سازمانی و پیوسته ای وجود دارد.
 - ۲- **سازواری و انطباق:** هر نظام سیاسی سعی دارد، به رغم تغییر و تحول موجود در آن، خود را با اوضاع دگرگون شونده محیط تطابق دهد.
 - ۳- **نیل به تعادل:** تعادل حالتی است که در تأثیر متقابل نیروهای مخالف ایجاد می شود، به گونه ای که در نتیجه آن روابط منظم بین اجزای نظام و محیط پدید می آید.
 - ۴- **قابلیت:** هر نظام دارای توانایی ها و قابلیت هایی است که توسعه تداوم، نابودی و بقای آن به این عوامل بستگی دارد. گاهی این قابلیت ها را از لحاظ تبدیل نهاد به داده، به صورت نهادی استخراجی توزیعی تنظیمی و پاسخگویی طبقه بندی می کنند. به همین دلیل، «کارل دوپیچ» نظام ها را به صورت خودنابودساز، خودتوانبخش، قابل تداوم و غیرقابل تداوم تقسیم می کند.
 - ۵- **انقباض و انبساط:** نظام های سیاسی تحت تأثیر اوضاع و مقتضیات گوناگون منبسط و منقبض می شوند. مثلاً: در وضعیت انقلابی و در دوران انتخابات با انبساط سیستم روبه رو می شویم، در حالی که در شرایط رکود و مشارکت نداشتن، نظام منقبض می شود.
 - ۶- **کنترل:** راه هایی که نظام برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی انتخاب می کند و کوشش هایی که برای حصول به اهداف خویش به عمل می آورد را کنترل می گویند.
 - ۷- **فشار:** به نیروها و عواملی گفته می شود که از داخل و یا خارج پایداری و ثبات نظام را از يك یا چند جهت تهدید می کنند.
 - ۸- **ترمیم و تکثیر:** هر نظام سیاسی، برای تطابق با اوضاع دگرگون شونده و جلوگیری از نابسامانی زوال یا انهدام، خود را ترمیم می کند و یا در صورت نیاز با بهبود و افزایش ساختارهای جدید دست به ترمیم و تکثیر می زند.
 - ۹- **اضافه باری:** وقتی که يك نظام توانایی پاسخ به نیازهای عادی خود را نداشته باشد و مسئولیت های جدیدی را نیز تقبل کند، دچار بحران پاسخگویی یا اضافه باری می شود.
- بر اساس تجزیه و تحلیل سیستمی، داده های سیاست خارجی هر یک از بازیگران سیاسی نهادهای نظام بین الملل تلقی می شود. از تقابل این نهادها و کنش و واکنش های میان آن ها، سیاست بین الملل در چارچوب روابط دوستانه، رقابت آمیز یا تعارض آمیز تعویض و تبیین می شود. بدین ترتیب هنگامی که نظام دولت ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم، با اجتماعی از بازیگران سروکار داریم که منافع و سیاست های آن ها بر یکدیگر تأثیر می گذارد.
- برای نمونه هنگامی که تحول نظام دولت های اروپایی را تحت مطالعه قرار می دهیم، ملاحظه می کنیم که در آغاز قرن شانزدهم میلادی در غرب اروپا نظام دولت ها شامل انگلستان، فرانسه و اسپانیا بود که سیاست های هر یک از این دولت ها بر دیگری تأثیر می گذارد.
- نظام دولت های اروپایی در آغاز قرن هفدهم شامل فرانسه، اسپانیا، اتریش و هلند بود. کشوری مانند سوئد که نقش عمده ای را در نظام دولت های اروپای غربی بر عهده داشت، عملاً یکی از اعضای نظام دولت های اروپای شمالی، که متشکل از اسکاندیناوی، لهستان و روسیه بود، تلقی می شد.
- اما در سال ۱۷۸۹ نظام دولت های اروپایی را فرانسه، بریتانیا، اتریش و پروس تشکیل می دادند و دولت هایی چون روسیه تزاری، هلند و اسپانیا در آن سهمی اندک داشتند.

به دنبال شکست ناپلئون بناپارت و استقرار يك نظم جديد در سال ۱۸۱۵، نظام دولت‌های اروپایی متشکل از بریتانیا، روسیه تزاری، اتریش و پروس بود. مطالعه مختصر تاریخی نظام دولت‌های اروپایی نشان می‌دهد که نظام دولت‌های اروپایی که اعضایش را دولت‌های مقتدر تشکیل می‌دادند، مهم‌ترین نظام قرن ۱۹ به‌شمار می‌رفت.

نظام بین‌الملل در هر دوره‌ای مختصات خاص خود را دارد و ویژگی‌های متفاوتی را با سایر نظام‌های ادوار مختلف دارد. ملاحظه می‌شود که از دوران پس از جنگ جهانی دوم، رفته رفته میزان وابستگی و همبستگی میان واحدهای جداگانه سیاسی رو به افزایش گذارده است. البته تحولات اخیر در نظام بین‌الملل سبب شده است که **جامعه بین‌الملل از ناهمگونی و واگرایی به سوی همگنی و همگرایی حرکت کند.**

کیفیت و بافت نظام بین‌المللی متأثر از رفتار بازیگران مقتدر آن است و خود نظام بین‌الملل نیز رفتارها، ایستارها و داده‌های سیاست خارجی گوناگونی را به دولت‌ها تحمیل می‌کند.

اما برخی از محققان روابط بین‌الملل بر این نظرند که مفهوم «نظام» بر اصل کنش متقابل اجزا استوار است و این فرایند پیچیده می‌تواند چون دست نامرئی آدام اسمیت به حفظ تعادل نظام کمک کند.

■ انواع نظام‌های بین‌المللی

مورتون کاپلان، یکی از دانشمندان سیاست بین‌الملل، شش نوع نظام بین‌المللی را از یکدیگر متمایز ساخته است که عبارت‌اند از:

۱- نظام موازنه قدرت

۲- نظام دوقطبی انعطاف‌ناپذیر (متصلب یا ارشادی)

۳- نظام دوقطبی انعطاف‌پذیر

۴- نظام جهانی

۵- نظام سلسله‌مراتبی

۶- نظام با حق وتو

وی معتقد است که چهار نظام از نظام‌های مزبور عملاً وجود ندارند و از دو نظام دیگر، یعنی موازنه قدرت و نظام دوقطبی انعطاف‌پذیر، می‌توان با بهره‌گیری از شواهد تاریخی نمونه‌هایی را ذکر کرد.

۱- مدل نظام موازنه قدرت: در اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ وجود داشت. در این مدل هیچ دستگاه سیاسی خاصی برای حل مشکلات خود در اختیار ندارند و صرفاً قدرت دولت‌ها است که حل‌کننده مشکل آن‌ها خواهد بود. بدین‌گونه کاپلان نیز بر گوهر آنارشیک و خود هماهنگ‌شونده نظام بین‌الملل اذعان دارد و بر این اساس نظام پیشنهادی کاپلان کاملاً اجتماعی و نه سیاسی است.

در این نظام، دولت‌های ملی عناصر تشکیل‌دهنده سیستم موازنه قدرت بودند. در این نظام، دولت‌ها خواهان حفظ و حتی افزایش توانایی‌های خویش بودند، گرچه خشونت یکی از ویژگی‌های سیستم مزبور محسوب می‌شد، نظام‌های ملی، برای جلوگیری از حذف شدن در عرصه بین‌الملل، مساعی لازم را برای متوقف ساختن جنگ به‌عمل می‌آوردند. در صورت بروز بی‌ثباتی بیشترین احتمال این است که این نظام به دوقطبی منعطف تبدیل خواهد شد.

۲- مدل نظام دوقطبی انعطاف‌ناپذیر (متصلب یا ارشادی): این مدل فاقد معادل تاریخی است ولی بسیار شبیه به نظام دوقطبی منعطف است. در این مدل بازیگران صرفاً به دو بلوک محدود می‌شوند و جایی برای بازیگران بی‌طرف باقی نمی‌ماند.

۳- نظام دوقطبی منعطف: از نظر کاپلان این مدل نیز مانند نظام موازنه قدرت نمونه تاریخی دارد. این نظام در نتیجه‌گیری فرایند توزیع قدرت پس از جنگ جهانی دوم به‌وجود آمد. بازیگران عمده به‌صورت دو اتحادیه ناتو به رهبری آمریکا و ورشو (به رهبری شوروی) فعالیت می‌کردند. اگر در توانایی یکی از بازیگران تغییری آشکار رخ دهد، این نظام به سلسله‌مراتبی تبدیل خواهد شد و بر عکس اگر در میزان توانایی هر دو بلوک کاهش شگرفی رخ دهد، نظام به نظام موازنه قدرت تبدیل خواهد شد.

۴- مدل نظام جهانی (جهان‌شمول): در این نظام قوه قهریه نظامی به‌مثابه ابزار اجرای سیاست منع شده است. در این نظام کشور مستقلاً وجود ندارد که در آن تهاجم بین‌المللی صورت گیرد. در صورت بروز خشونت بین اجزاء، ارکان حاکم بین‌المللی علیه کشور متجاوز اقدام می‌کنند و **این مدل تنها مدل نظام است که دارای نظام ثابت سیاسی است.** در این نظام است که به‌طور رسمی به تخصیص ارزش‌هایی چون پرستیژ و پاداش می‌پردازند. این نظام شبیه دولت‌های کنفدرال است.

۵- نظام سلسله‌مراتبی: کاپلان این نظام را به دو شکل دستوری و غیردستوری تقسیم می‌کند؛ عملکرد نظام سلسله‌مراتبی غیردستوری مانند دموکراسی‌ها است و نظام سلسله‌مراتبی دستوری مقابل آن قرار دارد که بازیگران اصلی همان تقسیمات فرعی قلمرویی نظام بین‌المللی‌اند؛ بنابراین در این نظام، نظام‌های مستقل سیاسی وجود ندارد.

۶- نظام با حق وتوی (وتوی واحدها یا ارشادی): ویژگی‌های این نظام کاملاً آنارشیک است. این نظام با وضع طبیعی هابز کاملاً منطبق است و جنگ‌گرگ‌ها علیه گرگ‌ها جریان دارد. در این نظام قانون طلایی منفی وجود دارد. گوهر و ذات نظام آنارشیک است.

نظام بین‌الملل از دیدگاه روزکرانس: ساختار مفهومی نظام موردنظر روزکرانس چهار نظام تابعه به‌شرح زیر دارد:

۱- ورودی به‌مثابه منبع آشوب‌ساز: آن دسته از عناصر واردشده در نظام تلقی می‌شود که با ورودی خود ثبات را بر هم می‌زند. در این نظام، دولت‌ها بازیگران سیاسی منبع آشوب‌های ورودی به نظام بین‌المللی‌اند.

۲- مکانیسم تنظیم‌کننده: این سیستم سعی می‌کند به‌نحوی ممکن عدم تعادل ناشی از ورودی‌های آشوب‌ساز را برای نظام قابل هضم کند.

۳- مقتضیات محیطی

۴- خروجی و یا بازده‌های نظام: با توجه به سه مکانیزم پیشین هر نظام نتایج خود را به نظام بین‌المللی تحویل می‌دهد.

از لحاظ تاریخی روزکرانس، تاریخ بین ۱۷۴۰ تا ۱۹۶۰ را به ۹ برهه تاریخی تقسیم می‌کند.

از دید روزکرانس نظام چند قطبی و یا سه قطبی از ثبات نسبی بیشتری برخوردارند.

منظور این است که در نظام‌های ۳ قطبی تمایل برای کاربرد دیپلماسی و مذاکرات برای تأمین اهداف ملی بیشتر خواهد شد، از دید وی نظام دوقطبی نامتعادل‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روزکرانس هم به قطب‌بندی نظام و هم به پویش نظام توجه دارد. روزکرانس مدعی می‌شود که رهیافت او نسبت به ساختار پویش‌های نظام بین‌الملل مناسب‌ترین روش‌هاست.

نظام از دید مک‌کله‌لند: مک‌کله‌لند با عنایت به اهمیت صلح و جنگ در نظام بین‌الملل توجه خود را به بحران و عدم بحران نموده است. وی نظام‌های بین‌المللی را به دو دسته بحران‌زا و بحران‌زدا تقسیم می‌کند.

الف) نظام‌های بحران‌زا: در این نظام‌ها واگرایی و مسابقه قدرت به حدی است که بازیگران برای یکدیگر علائم تهدیدکننده می‌فرستند. جنگ سرد آغاز راه و جنگ گرم نظام برافکن مهم‌ترین جلوه از این نظام است.

ب) نظام‌های بحران‌زدا: در این نظام ظرفیت بسیار بالاست و تعارضات قابل کنترل‌اند و بازیگران علائم همگرایانه به یکدیگر می‌فرستند. بازدارندگی یکی از علائمی است که بازیگران به یکدیگر می‌فرستند تا از وضعیت سوءاستفاده نکنند.

از نظر مک‌کله‌لند تنها بحران‌های متراکم‌شده و مستمر می‌توانند به بحرانی شدن نظام بین‌المللی بینجامد. وی عقیده دارد چون هر نظام اساساً میل به ثبات دارد، احتمال بحرانی شدن نظام بسیار کم است.



نکات کلیدی فصل دوم

- نظام دولت‌های اروپای غربی و اروپای شمالی نظام‌های مستقلی بودند که تحت تأثیر سیاست‌های یکدیگر قرار نداشتند.
- معمولاً جنگ‌ها در موقعیتی به وقوع می‌پیوندند که رهبران و حکومت‌ها از تعادل موجود ناراضی‌اند.
- یکی از ویژگی‌های نظام دوقطبی انعطاف‌پذیر وجود دو بازیگر عمده بلوکی یعنی دو ابرقدرت است.
- در حالی که خشونت جزء جدانشدنی نظام محسوب می‌شود، نباید فراموش کرد که خود آن نیز نظام را مهار و کنترل می‌کند.
- دیدگاه پوزیتیویستی از نظریه بزرگ نظام برای ارائه مباحث خود استفاده می‌کند.
- هرچه سطح وابستگی متقابل زیاده‌تر باشد، میزان کنش متقابل نیز افزایش می‌یابد.
- پویای فرایندی است که ورودی نظام را به خروجی نظام تبدیل می‌کند.
- کارکرد خدمتی است که از یک نظام انتظار می‌رود.
- کارکرد موجب تمایز یک نوع نظام (امت) از نوع دیگر نظام (مثل قدرت) می‌شود.
- دامنه افت و خیزها در تعادل سینوسی کم و محدود و در تعادل انقلابی و شتابدار بسیار زیاد است.
- فشار حالت کششی و تنش حالت انقباض دارد.
- هالستی نظام‌ها را از ۵ منظر مورد مطالعه قرار می‌دهد: مرزهای نظام، ویژگی‌های بازیگران نظام، ساختار قدرت و نفوذ نظام، نوع ساختار روابط بین بازیگران و ارزش‌های زیربنای نظام.
- هم‌گوهر و هم‌ذات نظام وتویی آنارشیک و باز است.
- نظام سلسله‌مراتبی نظامی است که گوهرش باز و ذات آن از لحاظ سیاسی بسته است.
- نظام جهان شمول نظامی است که گوهرش باز و ذات آن از لحاظ حقوقی و داوطلبانه بسته است.
- شرایط بازخوران مثبت از عملکرد عادی و مطلوب نظام حکایت دارد.
- تعادل تحولی سینوسی نام دارد و تعادل شتابدار انقلابی نام دارد.
- نظام‌های مکانیکی قدرت ترمیم و تکثیر ندارند.
- از نظر کنت والتز، توزیع توانمندی دولت‌های موجود در نظام، به مقتضای نظام‌ها و زمان‌های گوناگون متفاوت است.
- روزکرانس دو نوع نظام را قابل تصور می‌داند: متعادل و غیرمتعادل.
- نظام فعلی بین‌المللی به مقتضای مدل، حداقل مکانیکی و حداکثر سیبرنتیکی شکل گرفته است.
- نظام جهان شمول تنها نظام حقوقی کاپلان است.
- کاپلان نظام سلسله‌مراتبی را مرکز غالب می‌داند.
- میزان تبادل نظام با محیطش میزان مردمی بودن نظام سیاسی را مشخص می‌کند.



سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری فصل دوم

- ۵۱- درجه تغییرات رفتاری در سطح کلان منعکس‌کننده خواهد بود. (سال ۷۷)
- (۱) درجه تأثیرگذاری نظام‌ها بر فرهنگ سیاسی حاکم
(۲) ناتوانی و یا توانایی نظام در تطابق با شرایط دگرگون‌شونده محیط
(۳) میزان تعاملات رفتاری و ساختاری سطح خرد
(۴) میزان پیوندهای پیشین میان سطوح خرد و کلان
- ۵۲- اتحادهای عقیم می‌تواند به کدام صورت پیریزی شوند؟ (سال ۷۷)
- (۱) بر مبنای سوء تفاهمات قبلی (۲) بدون مذاکره
(۳) بر اساس مذاکره یا بدون مذاکره (۴) صرفاً از طریق مذاکره
- ۵۳- در بررسی بحران باید چه معیارهایی را مورد توجه قرار داد؟ (سال ۷۸)
- (۱) شدت و ضعف تهدیدات، منطقه حساس و فرصت‌ها
(۲) منطقه حساس، شدت بحران، شدت و ضعف تهدیدات و زمان
(۳) وضعیت غافلگیری، پیش‌بینی و شدت و ضعف تهدیدات و زمان
(۴) وضعیت غافلگیری، پیش‌بینی، منطقه حساس و تصمیمات فزاینده

- ۵۴- تنش‌زدایی را می‌توان در چارچوب کدام یک از انواع منافع توضیح داد؟
(۱) اختلاف‌زا (۲) متعارض (۳) متوازن (۴) موازی (سال ۷۸)
- ۵۵- در اندیشه استراتژیک وجود رقیب مفروض اساسی است.
(۱) امکانات متقابل بین دو بازیگر (۲) اهداف متقابل بین دو بازیگر (۳) دو بازیگر (۴) رقابت و تهاجم بین دو بازیگر (سال ۷۸)
- ۵۶- تحولات اروپا برای شکل‌گیری ایالات متحده اروپا را می‌توان بر اساس کدام رهیافت توضیح داد؟
(۱) انترناسیونالیسم (۲) ایدئالیسم (۳) رئالیسم (۴) رئالیسم و ایدئالیسم (سال ۷۸)
- ۵۷- گسترش به داخل مناطق ضعیف خلأ قدرت مربوط به کدام مورد است؟
(۱) تعارض بر سر منافع ملی (۲) تغییر جهت استراتژی ملی (۳) جابه‌جایی اولویت‌های هدف‌های ملی (۴) نقش گروه‌های ذی‌نفوذ در سیاست خارجی (سال ۷۸)
- ۵۸- استراتژی بلندمدت کشورهای کوچک چه زمانی موفقیت‌آمیز است؟
(۱) از لحاظ واقعی طرفدار تغییر وضع موجود و از لحاظ ظاهری طرفدار حفظ وضع موجود (۲) از لحاظ واقعی طرفدار حفظ وضع موجود و از لحاظ ظاهری طرفدار تغییر وضع موجود (۳) هم از لحاظ واقعی و هم از لحاظ ظاهری طرفدار حفظ وضع موجود (۴) هم از لحاظ واقعی و هم از لحاظ ظاهری طرفدار تغییر وضع موجود (سال ۷۸)
- ۵۹- مکانیزم نفوذ شرکت‌های چندملیتی در فرایند سیاسی کشورها چیست؟
(۱) اعمال فشار سیاسی، اتخاذ سیاست تحریم اقتصادی (۲) تلاش برای خروج سرمایه، اعمال سیاست اقتصادی خود بر دولت میزبان (۳) تحمیل الگوی مصرف، تلاش برای تصویب قوانینی در حمایت از سرمایه خارجی (۴) رشوه‌دادن به رهبران کشور میزبان، اعمال فشار و نفوذ بر دولت‌ها (سال ۷۹)
- ۶۰- وابستگی متقابل به معنای کدام آسیب‌پذیری است؟
(۱) یک‌جانبه (۲) دوجانبه (۳) چندجانبه (۴) هیچ‌کدام (سال ۷۹)
- ۶۱- یکی از تفاوت‌های میان رفتارگرایی و فرارفتارگرایی عبارت است از:
(۱) رفتارگرایی به سیاست خارجی مقایسه‌ای بهای زیادی می‌داد ولی فرارفتارگرایی به این امر نمی‌پرداخت. (۲) رفتارگرایی به دنبال ارائه تئوری‌های میان برد بود، ولی فرارفتارگرایان درصدد ارائه نظریه عمومی‌اند. (۳) رفتارگرایی به علت و معلول بها می‌داد ولی فرارفتارگرایان به رابطه تعاملی اهمیت می‌دهند. (۴) رفتارگرایان بر جنبه‌های کمی - کیفی توجه داشتند ولی فرارفتارگرایان صرفاً به کمی ساختن رفتارها می‌پرداختند. (سال ۷۹)
- ۶۲- از نظر کاپلان، نظام دوقطبی منعطف در نتیجه کدام دگرگونی‌ها پدید آمد؟
(۱) بلوک‌بندی‌ها (۲) جابه‌جایی نیروهای نظم‌دهنده (۳) ساختار ایدئولوژیکی (۴) فرایند توزیع قدرت (سال ۷۹)
- ۶۳- رهیافت آرمان‌گرایی (ایدئالیسم) در روابط بین‌الملل متأثر از کدام مکتب است؟
(۱) مارکسیزم (۲) سوسیالیزم (۳) کاپیتالیزم (۴) لیبرالیزم قرن ۱۹ (سال ۸۰)
- ۶۴- بازدارندگی در روابط بین‌الملل جزء کدام سطح تحلیل مطرح است؟
(۱) میان‌سیستمی (۲) خردسیستمی (۳) سطح کلان‌سیستمی (۴) تلفیق خرد و کلان‌سیستمی (سال ۸۰)
- ۶۵- در نظر کارکردگرا نظام بین‌الملل به صورت فزاینده‌ای خواهد شد.
(۱) بحران‌زدا (۲) بحران‌زداتر (۳) سیاست‌زداتر (۴) سیاست‌زده‌تر (سال ۸۰)
- ۶۶- سیاست یک دولت بر اساس عدم ورود به جنگ و اتحادیه‌های نظامی و تلاش برای محدود ساختن جنگ با کدام گزاره مطابقت دارد؟
(۱) بی‌طرفی مثبت (۲) بی‌طرفی منفی (۳) بی‌طرفی موقت (۴) بی‌طرفی حقوقی (سال ۸۱)

- ۶۷- اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های بین‌المللی محصول تجمع و تلاقی هستند. (سال ۸۲)
(۱) موقعیت قدرت (۲) امنیت دسته جمعی (۳) موقت منافع ملی (۴) منافع ملی مشترک میان اعضا
- ۶۸- کتاب نظریه سیاست بین‌الملل اثر کیست؟ (سال ۸۲)
(۱) کنت والتز (۲) رابرت اکسلرود (۳) رابرت کوهین (۴) جوزف نای
- ۶۹- گسترش به داخل مناطق ضعیف خلأ قدرت می‌تواند بر اساس مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (سال ۸۳)
(۱) تجدیدنظرطلبی (۲) تعارض بر سر منافع ملی (۳) تضادهای ایدئولوژیک (۴) رقابت‌های اقتصادی و نظامی
- ۷۰- نظم موجود در نظم نوین جهانی کدام است؟ (سال ۸۴)
(۱) فردگرایی تمرکزگرایز (۲) کلی‌گرایی تمرکزگرا (۳) تمرکزگرایی تمرکزگرایز (۴) جمع‌گرایی تمرکزگرا
- ۷۱- قدرت در عرصه بین‌الملل به‌طور عمده‌ای از به تبدیل شده است. (سال ۸۴)
(۱) ملایم-حاد (۲) سفلی-علیا (۳) نرم‌افزاری-سخت‌افزاری (۴) سخت‌افزاری-نرم‌افزاری
- ۷۲- نگرش امپریالیسم جدید در روابط بین‌الملل و ستفالیایی معطوف به بازیگران است. (سال ۸۵)
(۱) پویش بازی (۲) ساختار قدرت (۳) ساختار قدرت و پویش (۴) پویش قدرت و ساختار
- ۷۳- اولین فیلسوف که اصطلاح انترناسیونالیسم را به کار برد، چه کسی بود؟ (سال ۸۵)
(۱) جرمی بنتام (۲) کانت (۳) روسو (۴) هگل
- ۷۴- کار ویژه ملت-دولت در نظم نوین جهانی به‌ترتیب در داخل و در خارج است. (سال ۸۵)
(۱) پرورشی-تقابلی (۲) پرورشی-تعاملی (۳) تقابلی-پرورشی (۴) تعاملی-پرورشی
- ۷۵- قرارداد وستفالی منجر به تأسیس شد. (سال ۸۶)
(۱) نظام امپریالیستی (۲) ملت-دولت (۳) همکاری بین‌المللی (۴) جهانی شدن نظام بین‌المللی
- ۷۶- ویژگی که یک نظام برای مقابله و خنثی کردن تهدیدات خارجی و داخلی به کار می‌برد را نظام می‌نامند. (سال ۸۶)
(۱) همبستگی (۲) انبساط سیستمی (۳) حفظ الگوی (۴) عدم سازگاری
- ۷۷- در ارتباط با علل بروز جنگ در تصویر دوم لیبرالیسم بر کدام عوامل تأکید می‌شود؟ (سال ۸۶)
(۱) وجود نظام موازنه قدرت (۲) ماهیت غیردموکراتیک سیاست خارجی (۳) دخالت حکومت‌ها در سطوح داخلی و بین‌المللی (۴) فقدان آزادی‌های فردی و تجاری و نبود و یا کمبود وابستگی متقابل
- ۷۸- از دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، «سطوح تحلیل» دارای دو معنی است آن دو کدام است؟ (سال ۹۴)
(۱) نظام و زیر نظام‌ها (۲) واحدها و ساختارها (۳) فرایند و ظرفیت تعامل (۴) نهاد داخلی و نظام بین‌الملل



سؤالات چهارگزینه‌ای تالیفی فصل دوم

- ۷۹- کدام یک از عناصر تشکیل‌دهنده نظام است که به‌صورت مثبت یا منفی عمل می‌کند؟
(۱) داده (۲) نهاد (۳) بازخورد (۴) محیط خارجی
- ۸۰- کدام ویژگی نظام است که به‌صورت استراتژی‌ها و تصمیمات ظاهر می‌شود؟
(۱) نهاد (۲) بازخورد (۳) محیط داخلی (۴) داده
- ۸۱- محیط نظام بیشتر جنبه دارد.
(۱) سیاسی (۲) نظامی (۳) فرهنگی (۴) ارگانیکی
- ۸۲- مجموعه عناصری که به‌صورت خواسته‌ها، منافع و پشتیبانی‌ها و مخالفت‌ها وارد سیستم می‌شوند چه نام دارد؟
(۱) نهاد (۲) داده (۳) بازخورد (۴) محیط نظام

۸۳- تطابق از ویژگی کدام يك از ویژگی های نظام است؟

- (۱) قابلیت (۲) نیل به تعادل (۳) سازواری و انطباق (۴) همبستگی

۸۴- «کارل دویچ» با توجه به کدام يك از ویژگی های نظام، نظام های موردنظر خود را طبقه بندی می کند؟

- (۱) توانایی نیل تعادل (۲) همبستگی نظام (۳) قابلیت نظام (۴) سازواری و انطباق نظام

۸۵- راه هایی که نظام برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی انتخاب می کند چه نام دارد؟

- (۱) قابلیت (۲) فشار (۳) کنترل (۴) نیل به تعادل

۸۶- به صورت نهاده های نظام بین الملل تلقی می شوند.

- (۱) هنجارهای نظام بین الملل (۲) قدرت و خواست قدرت های بزرگ (۳) مصوبات سازمان های بین الملل (۴) داده های سیاست خارجی هر یک از بازیگران میامی

۸۷- نظام دولت های اروپای غربی در قرن ۱۶ شامل کدام کشورها بود؟

- (۱) انگلستان، فرانسه، پرتغال (۲) فرانسه، انگلستان، اسپانیا (۳) انگلستان، آلمان، فرانسه (۴) فرانسه، پرتغال، اسپانیا

۸۸- نظام دولت های اروپایی در سال ۱۷۸۹ شامل چه کشورهایی می شد؟

- (۱) روسیه، آلمان، فرانسه، بریتانیا (۲) بریتانیا، پروس، فرانسه، هلند (۳) فرانسه، بریتانیا، اتریش، پروس (۴) فرانسه، بریتانیا، پرتغال، اسپانیا

۸۹- مهم ترین نظام قرن ۱۹ چه نام داشت؟

- (۱) نظام دولت های آمریکایی (۲) نظام دولت های آسیایی (۳) نظام دولت های اروپایی (۴) نظام دولت های اروپای غربی

۹۰- بعد از جنگ جهانی دوم، میزان همبستگی و وابستگی واحدهای جداگانه سیاسی به چه سمتی حرکت کرده باشد؟

- (۱) وابستگی و همبستگی رو به افزایش نهاده است. (۲) همبستگی رو به کاهش نهاده است. (۳) همبستگی و وابستگی تغییری نکرده است. (۴) وابستگی و همبستگی متعادل شده است.

۹۱- تحولات اخیر در نظام بین الملل سبب شده که جامعه بین الملل به چه سمتی حرکت کند؟

- (۱) از واگرایی به جنگ (۲) از واگرایی به همگرایی (۳) از همگرایی به واگرایی (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.

۹۲- کیفیت و بافت نظام بین الملل متأثر از چه چیزی است؟

- (۱) قواعد حقوق بین الملل (۲) هنجارهای نظام بین الملل (۳) رفتار بازیگران مقتدر (۴) گزینه ۱ و ۲ صحیح است.

۹۳- مورتون کاپلان چند نوع نظام بین المللی را متصور است؟

- (۱) ۴ نوع (۲) ۳ نوع (۳) ۵ نوع (۴) ۶ نوع

۹۴- کاپلان معتقد است که کدام يك از نظام های پیشنهادی خود نمونه تاریخی دارند؟

- (۱) موازنه قدرت (۲) دوقطبی منعطف (۳) نظام جهانی (۴) موازنه قدرت و دوقطبی منعطف

۹۵- در کدام نظام موردنظر کاپلان جایی برای دولت های بی طرف وجود ندارد؟

- (۱) موازنه قدرت (۲) دوقطبی غیر منعطف (۳) دوقطبی منعطف (۴) نظام وتویی

۹۶- در کدام نظام پیشنهادی کاپلان مرجع سیاسی خاص برای حل مشکلات وجود ندارد؟

- (۱) موازنه قدرت (۲) دوقطبی منعطف (۳) سلسله مراتبی (۴) جهان شمول

۹۷- در صورت بروز بی ثباتی در سیستم موازنه قدرت این نظام به کدام نوع از دیگر نظام ها میل پیدا می کند؟

- (۱) سلسله مراتبی (۲) جهان شمول (۳) دوقطبی منعطف (۴) دوقطبی غیر منعطف

۹۸- در کدام نظام کاپلان بازیگران عمده به صورت دو اتحادیه فعالیت می کردند؟

- (۱) موازنه قدرت (۲) دوقطبی منعطف (۳) سلسله مراتبی (۴) دوقطبی غیر منعطف

۹۹- در کدام نوع نظام از نظر کاپلان است که دولت مستقل وجود ندارد و به تخصیص ارزش‌هایی چون پرستیژ و پاداش پرداخته می‌شود؟

- (۱) سلسله‌مراتبی (۲) دوقطبی منعطف (۳) موازنه قدرت (۴) نظام جهانی

۱۰۰- در کدام یک از نظام‌ها، قانون طلایی منفی برقرار است؟

- (۱) سلسله‌مراتبی (۲) دوقطبی غیر منعطف (۳) موازنه قدرت (۴) نظام وتویی واحدها (ارشادی)

۱۰۱- از منظر روزکرانس کدام یک از نظام‌های زیر دارای ثبات بیشتری است؟

- (۱) دوقطبی (۲) موازنه قدرت (۳) چندقطبی یا سه قطبی (۴) سلسله‌مراتبی

۱۰۲- نظام‌های موردنظر مک کله‌لند از چه نوع نظام‌هایی هستند؟

- (۱) بحران‌زا و بحران‌زدا (۲) آشوب‌زا و آشوب‌زدا (۳) متعادل و غیرمتعادل (۴) منعطف و غیر منعطف

۱۰۳- فشار حالتی دارد و تنش حالتی دارد.

- (۱) سینوسی، انقلابی (۲) انقباضی، کششی (۳) کششی، انقباضی (۴) سینوسی، کششی

فصل سوم

رهیافت قدرت

مهم ترین عناوین فصل

موازنه قوا و سیاست بین الملل

عناصر تشکیل دهنده قدرت

در بررسی رفتارهای بین المللی از دیدگاه قدرت، محور اصلی تجزیه و تحلیل واحدهای سیاسی، دولت‌ها هستند. در این روند ضمن آنکه دولت به مثابه یک بازیگر مورد توجه قرار گرفته، روابط میان بازیگران بررسی می‌شود و نحوه توزیع قدرت در صحنه روابط بین المللی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

کسانی که سیاست بین الملل را از نظر قدرت مطالعه می‌کنند، به میزان قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر دیدگاه‌های «مورگنتا» قرار دارند. وی سیاست بین الملل را به صورت کشمکش بر سر قدرت توصیف می‌کند و معتقد است که قدرت سیاسی رابطه روانی است میان کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند یا قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود. مورگنتا بر این نظر است که دولت‌ها در چارچوب قدرت انتخاب‌های سیاسی محدودی دارند که عبارت‌اند از:

الف) حفظ وضع موجود

ب) افزایش قدرت (سیاست امپریالیستی)

ج) نمایش قدرت (کسب پرستیژ)

الف) سیاست حفظ وضع موجود: بر این اساس، دولت سیاست خارجی برای حفظ قدرت را دنبال می‌کند.

ب) افزایش قدرت: بر این مبنا، دولت سیاست خارجی برای تحصیل قدرت بیشتر را دنبال می‌کند، طالب وضع موجود نبوده و سیاست‌های امپریالیستی را دنبال می‌کند.

ج) نمایش قدرت (کسب پرستیژ): در این مورد سیاست خارجی دولت به منظور حفظ یا افزایش، درصدد تعقیب سیاست اعتبار برمی‌آید.

ممکن است دولت‌ها به دلایلی مثل تقسیمات جغرافیایی، توزیع منابع و قدرت، موازنه قدرت و پیروزی در یک جنگ، از سیاست حفظ وضع موجود پیروی کنند. شکست در جنگ، اعمال قراردادهای تحمیلی از دست دادن سرزمین با تغییر سیاست خارجی بر اساس یک ایدئولوژی نوین، انگیزه‌های لازم را برای تعقیب سیاست تجدیدنظرطلبانه‌ای که طرفدار دگرگونی و تغییر وضع موجود است، فراهم می‌آورد.

مثلاً: پس از پایان جنگ جهانی اول و انعقاد قرارداد «تریانون» در مورد وضع مجارستان، این کشور قسمت اعظم جمعیت و ساکنان خود را از دست داد و به صورت دولتی ناراضی که طالب برهم زدن وضع موجود بود، درآمد و این وضع تا آنجا پیش رفت که مجارستان با دولت‌های محور از جمله آلمان و ایتالیا همکاری کرد و همین امر باعث مداخله ارتش سرخ در این کشور و استقرار نظام سوسیالیستی شد. در همین راستا می‌توان دولت رومانی را مثال زد که بر عکس مجارستان از تقسیمات پس از جنگ جهانی اول راضی بود و همین امر باعث شد که سیاست حفظ وضع موجود را دنبال کند. نمونه دیگر دولت شوروی پس از سال ۱۹۱۷ است، که بنا به انگیزه‌های ایدئولوژیکی، سیاست تجدیدنظرطلبانه‌ای را در سیاست بین الملل در پیش گرفت. منافع ملی تنها در چارچوب «موقعیت قدرت» تعریف و تبیین می‌شود. بر این اساس، هر موقعیت تاریخی یا هر هدف خاص ملی تنها در سایه ارزیابی موقعیت قدرت آن دولت و اینکه این قدرت به طور مثبت یا منفی تحت تأثیر شرایط و مقتضیات دستخوش تغییر می‌شود، امکان‌پذیر است. در این روند، تعارضات بین المللی به منزله بازتاب برخورد و تصادم منافع ملی بازیگران گوناگون بررسی می‌شود. اتحادها و ائتلاف‌های بین المللی محصول تجمع و تلاقی موقت منافع ملی‌اند. بدین ترتیب، شکل اتحادها و مناقشات بین المللی تابعی از منافع ملی به شمار می‌روند. بدین ترتیب، جنگ و مناقشات بین المللی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرند و همچنین دستیابی به اهداف منافع ملی مشکل‌تر می‌شود و دولت‌ها باید از راه‌های گوناگون سعی در رسیدن به اهداف خود را داشته باشند. از نظر مورگنتا این وضع با توسعه ناسیونالیسم مدرن، ظهور ایدئولوژی‌های متعارض و دخالت ابرقدرت‌ها ابعاد وسیعی به خود می‌گیرد. بر این اساس، برای استقرار صلح پایدار، باید از هنر دیپلماسی بهره گرفت.

در این زمینه دانشمندان سیاست بین الملل تفاسیر متفاوتی از قدرت به دست می‌آورند. بسیاری از واقع‌گرایان بر مقوله موازنه قدرت اصرار می‌ورزند. آنان براین باورند که بنای صلح تنها زمانی استوار می‌ماند که پایه‌های آن بر اساس اصول موازنه قدرت نهاده شده باشد و قوانین در سایه دیپلماسی برقرار شود. طبق این نظریه، قدرت بر اساس هدف‌هایی که تعقیب می‌کند مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد؛ زیرا هر دولتی سیاست خارجی خویش را بر اساس درکی که سیاست‌گذاران از منافع خویش یا منافع کشور دیگر دارند، تنظیم می‌کند. اما در تمامی مباحث مزبور، منافع اولیه ملی (منافع حیاتی) ضامن بقای دولتهاست و دولت‌های قوی‌تر شانس بیشتری برای ادامه حیات دارند.

تفاوت قدرت‌های بزرگ و کوچک:

دولت‌های قوی حوزه منافع ملی گسترده‌تری دارند و همین امر موجب بروز تعارضات بیشتری در صحنه سیاست بین الملل می‌شود؛ در حالی که گستره منافع دولت‌های ضعیف معمولاً محلی و منطقه‌ای و محدود است. مثلاً در دوران پس از جنگ جهانی دوم، هر یک از رویدادهای بین المللی به نوعی منافع دو ابرقدرت آمریکا و شوروی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد.

وجه تمایز دیگر میان قدرت‌های بزرگ و کوچک وسعت حوزه ایمنی آن‌هاست. قدرت نسبی دولت‌های بزرگ این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا اساساً قوانین و معیارهای مناقشات بین المللی را خود تعریف و تبیین کنند و به رغم اشتباهات مکرر، یا از عواقب و آثار نامطلوب مصون بمانند یا آن‌ها را به حداقل کاهش دهند و حتی پاره‌ای از مواقع سوء تصمیم‌های خود را به سایر نقاط جهان منتقل کنند. این در حالی است که دولت‌های ضعیف‌تر با ارتکاب هر گونه خطایی حتی جزئی باید خسارات سنگین بپردازند و چون از عهده تأدیه آن برنمی‌آیند، موقعیت آن‌ها سخت آسیب‌پذیر می‌شود.

در مجموع قدرت‌های بزرگ می‌کوشند موقعیت خویش را در عرصه سیاست بین‌الملل حفظ کنند، اداره مناقشات بین‌المللی را برای توزیع قدرت به سود خود تمام کنند؛ در حالی که دولت‌های ضعیف‌تر که از توزیع نابرابر قدرت در نظام بین‌المللی راضی نیستند، طالب وضع موجود نبوده و خواهان تجدیدنظر در الگو و بافت نظام بین‌المللی‌اند.

■ موازنه قوا و سیاست بین‌الملل



موازنه قوا را می‌توان اختصاراً چنین توضیح داد: تعداد کثیری از ملل را که میزان قدرتشان با یکدیگر فرق دارد و هر کدام از آن‌ها می‌کوشد قدرت خود را به میزانی مناسب و مقدور بالا برد. بدین معنی که ملل مختلف حتی با یکدیگر متحد می‌شوند به‌طوری که هیچ ملتی به تنهایی یا گروهی از ملل به‌طور دسته جمعی به آن اندازه نتوانند قوی شوند که بتوانند سایرین را ببلعند. زیرا قدرت این ملل را قدرت گروه مخالف موازنه داده است. تا موقعی که این موازنه را بتوان حفظ کرد صلح برقرار است و استقلال ملل کوچک تأمین است. در دوران صلح، موازنه‌های متعدد و جداگانه‌ای از قدرت ممکن است در قسمت‌های جهان وجود داشته باشد، ولی در هنگام بحران‌های سیاسی تنها یک موازنه قدرت حکمفرما خواهد بود.

پیش‌نیازهای عمده‌ای که می‌توان برای سیستم موازنه قدرت ضروری دانست عبارت‌اند از: بازیگران متعدد سیاسی، عدم اقتدای مرکزی مشروع که بتوانند بازیگران اصلی (دولت‌ها) را تحت تسلط خود قرار دهند، توزیع نابرابر عناصر تشکیل‌دهنده قدرت میان بازیگران سیاسی که بر این اساس دولت‌ها به‌دسته‌های بزرگ و متوسط و کوچک تقسیم می‌شوند. از نظر گروهی از محققان سیاست بین‌الملل، سیستم موازنه قدرت نظم انعطاف‌پذیر و غیررسمی دولت‌ها تلقی شده است که باعث تقلیل توانایی‌ها و امکانات بالقوه آن‌ها می‌شود.

از لحاظ تاریخی سیستم موازنه قدرت در جوی خاص از سیاست بین‌المللی ظاهر گردید. نخستین **مرحله عصر طلایی موازنه قدرت** در دوران میان امضای قرارداد صلح وستفالی ۱۶۴۸ و وقوع انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ به‌شمار می‌آید. در این دوران، رفته رفته زمینه کاهش قدرت پادشاهی‌های مطلقه و ظهور حکومت‌هایی که در آن‌ها حاکمیت مردم مطرح بود، فراهم شد و از شدت جنگ‌های میان دولت‌های ملی کاسته شد. در این دوران، اختلاف چندانی میان حکام اروپایی بروز نکرد و اکثر این دولت‌ها طالب سیاست حفظ وضع موجود بودند.

وقوع انقلاب فرانسه، سیستم موازنه قدرت کلاسیک را دستخوش بی‌ثباتی ساخت. اما دولت‌های قوی اروپا با برقراری اتحاد میان خود به‌منظور شکست فرانسه و اعاده اصولی نظیر مشروعیت، اعتدال و آرامش در سیستم مغشوش بین‌المللی، در قبال سیاست‌های توسعه‌طلبانه ناپلئون بناپارت واکنش نشان دادند. **به‌دنبال شکست نهایی ناپلئون در واترلو**، قدرت‌های بزرگ اروپا در کنگره وین (۱۸۱۴ - ۱۸۱۵) گرد آمدند تا مجدداً نظام موازنه قدرت را برقرار سازند. تحت رهبری افرادی چون مترنیخ و تزار الکساندر، عصر جدیدی برای شکل‌گیری مجدد موازنه قوا به‌وجود آمد که عملاً این وضعیت تا آغاز جنگ بین‌الملل اول ادامه یافت؛ بنابراین دوران بین برگزاری کنگره وین ۱۸۱۵ و سال ۱۹۱۴ آغاز جنگ جهانی اول را می‌توان دومین عصر موازنه قدرت کلاسیک تلقی کرد.

موازنه قوا بعد از کنگره وین روش‌های دیپلماتیک را دستخوش دگرگونی‌های عظیم کرد. در این دوران که کنسرت اروپا بر اساس سیستم موازنه قدرت عمل می‌کرد، دولت‌ها می‌توانستند مناقشات موجود را تحت نظم و کنترل بیشتری درآورند. نحوه برقراری موازنه بین قدرت‌های محور اساس دیپلماسی این دوران به‌شمار می‌رفت.

- شرق و غرب دیدگاه‌های متفاوتی به مقوله موازنه قدرت داشتند که به‌شرح زیر است:

- ۱- شوروی به‌جای به‌کاربردن واژه سنتی موازنه قدرت از اصطلاح همبستگی نیروها استفاده می‌کرد.
- ۲- از نظر رئالیست‌های سیاسی، سیستم موازنه قدرت به موازنه میان ابرقدرت‌ها و بلوک‌های متخاصم در چارچوب مبارزه برای کسب بهترین موقعیت اطلاق می‌شد، در حالی که شوروی‌ها موازنه میان دو سیستم متخاصم را جایگزین موازنه قدرت میان ابرقدرت‌ها کردند.
- ۳- رئالیست‌های سیاسی موازنه قدرت را با تأکید بر نقش دولت‌ها تجزیه و تحلیل کرده‌اند، ولی شوروی‌ها آن را موازنه میان طبقه کارگر و بورژوازی جهانی دانسته‌اند و علاوه بر نقش جنبش‌های سیاسی بین‌المللی نیز تأکید می‌کردند.
- ۴- شوروی‌ها بیش از رئالیست‌های سیاسی غرب به جنبه‌های گوناگون موازنه قدرت توجه داشت و البته تأکید عمده آن بر مسائل ایدئولوژیک به‌مثابه عامل یکپارچه‌کننده نیروهای ضدامپریالیستی بود.
- ۵- از نظر شوروی‌ها، خصوصیات نظام اجتماعی - سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و کارایی دولت‌ها در میزان «همبستگی نیروهای جامعه بین‌المللی» اهمیت دارد.

۶- رئالیست‌های سیاسی بر این باور بودند که موازنه قدرت برای حفظ سیاست وضع موجود ضروری است ولی در مقابل، شوروی‌ها بر پویایی سیستم موازنه قدرت (همبستگی نیروها) به‌شدت تأکید داشته‌اند. علی‌رغم این اختلاف‌ها میان دیدگاه‌های شرق و غرب نسبت به موازنه قدرت، شباهت‌هایی نیز وجود داشت:

- ۱- هر دو ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق قدرت را مهم‌ترین عامل در حفظ موازنه نیروها تلقی می‌کردند.
- ۲- هر دو بلوک نیروی نظامی را مهم‌ترین عنصر قدرت دانسته‌اند.

راهِ‌های حفظ موازنه



- ۱- **تسلیمات نظامی:** شاید مرئی‌ترین و کوتاه‌ترین راه به‌دست آوردن مزیت قدرت یا جلوگیری از قدرتی که رقیب به‌دست آورده است، مسلح شدن باشد. البته گاه تصمیم گرفته می‌شود که دندان زهرآلود کشیده شود تا با پاک شدن صورت مسئله، خطر رفع شود. به این اقدام «خلع سلاح» می‌گویند.
- ۲- **تصرف اراضی برای جبران قدرت:** به‌منظور افزایش جمعیت کارآمد و مواد بیشتر.
- ۳- **ایجاد مناطق حائل:** يك کشور بی‌طرف حائلی میان آن دو قدرت شود. کشور حائل دولت ناتوانی است که میان دو کشور بزرگ متخاصم قرار می‌گیرد. کار اصلی کشور حائل این است که این دو قدرت عظیم را از یکدیگر دور نگه دارد و در نتیجه از خطر تصادم میان آن دو بکاهد.
- ۴- **مداخله در امور داخلی**
- ۵- **ایجاد تفرقه میان متحدین و غلبه بر آنان**
- ۶- **موازنه خودکار و نیروی موازنه‌دهنده:** هرگاه که در سیستم موازنه قوا، موازنه به هم بخورد، با تغییرات و نقل و انتقالاتی که در داخل دستگاه موازنه صورت می‌گیرد، موازنه مجدداً برقرار می‌شود. در غیر این‌صورت، يك نیروی موازنه‌دهنده موازنه را برقرار می‌سازد. نیروی موازنه‌دهنده عبارت از دولت یا گروهی از دول است که معمولاً خود را از میدان رقابت و چشم و هم‌چشمی اکثر دول دور نگاه می‌دارد و هرگاه که کفه موازنه به نفع یکی از دول سنگینی کند، آنگاه نیروی موازنه‌دهنده شروع به کار می‌کند. به این معنی که این نیرو به بازیگر ضعیف‌تر می‌پیوندد و دوباره موازنه را برقرار می‌سازد. مسئله مطلوب نیروی موازنه‌دهنده خود «حالت موازنه» است.

نتایج موازنه:



- الف) حفظ استقلال کشورهای کوچک زیرا اگر اجازه داده شود دولت جاه‌طلبی تفوق پیدا کند ممکن است که آن‌ها را ببلعد.
- ب) برقراری صلح

عناصر تشکیل‌دهنده قدرت



مهم‌ترین عناصر قدرت عبارت‌اند از:

۱- ایدئولوژی:

ایدئولوژی عبارت است از نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی است. ریمون آرون در کتاب افیون روشنفکری ایدئولوژی را مرکب از واقعیت‌هایی می‌داند که ظاهراً به نظم درآمده‌اند و شامل تفسیر و آرمان‌ها و پیشگویی‌هاست. ایدئولوژی از نظر لغوی نیز عقیده یا نظر سیاسی تعریف شده است که وجه مسلم و مشخصه گروه یا حزبی خاص درمی‌آید. ایدئولوژی کارکردهایی دارد، از جمله، باعث تقویت روحیه ملی می‌شود. در چارچوب سیاست خارجی، ایدئولوژی يك قالب ذهنی برای شیوه نگرشی به جهان را شکل می‌دهد و بالأخره این عنصر تشکیل‌دهنده قدرت معیارها و ضوابط مشخص و معینی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد تا بر اساس آن، چارچوب هدف‌ها و منافع ملی خویش را ترسیم کنند. ضمناً ایدئولوژی می‌تواند اصول و معیارهایی در اختیار عامه مردم قرار دهد تا بر مبنای آن هر گونه انحراف و تغییر جهت مغایر با اصول پذیرفته‌شده را قضاوت شد.

۲- عوامل اجتماعی - انسانی:

الف) میزان جمعیت: کم و کیف جمعیت اعم از دوران صلح یا جنگ عامل عمده‌ای در قدرت يك واحد سیاسی تلقی می‌شود. در این باره باید به‌وجود افراد متخصص و ماهر، تعداد نیروهای رزمی، میزان رشد جمعیت و قابلیت نظام سیاسی در ارائه خدمت لازم به مردم اشاره کرد. اگر بخواهیم از شواهد تاریخی برای تبیین نقش عامل جمعیت بهره گیریم، می‌توان با توجه به فرانسه قرن ۱۹ به این قول اشاره کنیم که علت ضعف نیروی نظامی فرانسه در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بین سال‌های ۱۸۵۰ - ۱۹۱۰ پایین بودن رشد جمعیت آن در مقایسه با سایر دولت‌های بزرگ اروپا بود.

ب) ویژگی‌های ملی: ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر ملت نیز عامل عمده‌ای در ارزیابی قدرت است. مثلاً، آلمان از زمان وحدت، همواره ملتی برخوردار از توانایی‌های خاص برای سازماندهی در پرتو نظم و انضباط شناخته شده است. در مقابل ملت آلمان، ایتالیایی‌ها هستند که هیچ‌گاه نظم و انضباط و سازماندهی آلمان‌ها را نداشته‌اند، به‌طوری‌که استقلال ایتالیا در سال ۱۸۵۹ در سایه پیروزی ارتش فرانسه به‌دست آمد و در سال ۱۸۶۶، به‌رغم اتحاد موفقی که با پروس داشتند، مقهور اتریش شدند.

ج) روحیه ملی: در این مورد باید خصوصیات روانی و خلقی مشترك افراد يك کشور را بررسی کرد. روحیه ملی اساساً حالتی موقت است و کم و کیف آن تابع موقعیتی خاص خواهد بود. روحیه ملی می‌تواند در میزان پشتیبانی مردم از سیاست‌های دولت خویش مؤثر افتد و این عامل کمک زیادی به مشروعیت و ثبات سیاسی دولت کرده و در نهایت عامل عمده‌ای در ارزیابی قدرت ملی به‌شمار می‌آید. مثلاً: تا مارس ۱۹۳۸، چک‌ها نسبتاً از روحیه مطلوبی برخوردار بودند، به‌ویژه به خاطر کسب هویت مستقل بعد از جنگ جهانی اول ولی بعد از افشای مسائل سری قرارداد مونیخ به کلی امیدشان را برای حفظ موقعیت خود از دست دادند و در سال ۱۹۳۹ نیز در برابر فشار آلمان مقاومت اندکی نشان دادند.

د) یکپارچگی اجتماعی: همگرایی سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک در افزایش توانایی‌های يك دولت در ارائه داده‌های مناسب برای تحقق اهداف و تأمین منافع ملی بسیار مؤثر است. نبود یکپارچگی و وجود واگرایی در میان گروه‌های مختلف نژادی، قومی، مذهبی و ملی می‌تواند موقعیت يك واحد سیاسی را تا مرز از هم پاشیدگی و از دست دادن استقلال آن به مخاطره اندازد و ضمناً ممکن است به محو آن دولت از صحنه جغرافیا یی بینجامد. امپراطوری اتریش در طول جنگ جهانی اول به علت وجود چک‌ها، صرب‌ها، لهستانی‌ها و رومانی‌ها در قلمروی خود که هر يك خواهان هویتی مستقل بودند، رو به ضعف نهاد تا آنکه سرانجام در سال ۱۹۱۸ به سبب فشار اقلیت‌های مزبور از هم پاشید.

۳- عوامل سیاسی:

در این زمینه می‌توان به عواملی چون درجه ثبات سیاسی، کیفیت رهبری، شکل حکومت و اعتبار ملی اشاره کرد.

الف) ثبات سیاسی: منافع ملی دولت‌ها تحت تأثیر يك سلسله عوامل ثبات‌بخش در طول زمان شکل می‌گیرد. از این رو جابه‌جایی‌های مداوم و مستمر در رأس حکومت و بی‌ثباتی در شکل حکومت باعث می‌شود که اولویت‌های اهداف سیاسی و سیاست خارجی دستخوش دگرگونی شود و دولت نتواند برای تحقق اهداف و تأمین منافع خویش در صحنه سیاست بین‌الملل از موضع قدرت عمل کند، مثلاً: فرانسه از سال ۱۸۱۵ به بعد، به سبب بی‌ثباتی سیاسی و کوتاه بودن عمر حکومت‌ها، به‌ویژه در دوران جمهوری‌های سوم و چهارم، از قدرت و توان چندانی در صحنه روابط بین‌الملل نداشت. لازم است توضیح دهیم که درجه ثبات سیاسی را باید به صورت يك متغیر وابسته و نه مستقل بررسی کرد. چه بسا بحران‌ها و نوسانات اقتصادی به مثابه متغیری مستقل ثبات سیاسی را تحت تأثیر خود قرار دهد و از قدرت ملی بکاهد.

ب) رهبری: رهبری از جنبه‌های گوناگون، از جمله مدیریت دیپلماسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد. نحوه تجهیز و به‌کارگیری منابع مادی و معنوی، بهره‌گیری از ایدئولوژی برای ایجاد و تقویت همبستگی و یکپارچگی اجتماعی و بالأخره استفاده درست از امکانات نظامی در وضعیت بحرانی و جنگ، همه و همه بستگی به عامل رهبری دارد. از دیدگاه ارزیابی قدرت سیاسی دولت‌هایی چون پروس بعد از ۱۸۶۲ و آلمان بعد از ۱۸۷۱ تحت رهبری بیسمارک همانند موقعیت بریتانیا در ۱۹۴۰ به رهبری چرچیل و فرانسه بعد از ۱۹۵۸ به رهبری دوگل از لحاظ قدرت سیاسی شایان ذکرند.

ج) شکل حکومت: ساختار حکومتی، شیوه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تأثیر بسزایی در اتخاذ استراتژی‌ها و اجرای آن دارد. گاه نظام پیچیده بوروکراتیک مشکلات بسیاری در راه اقدامات و تصمیم‌گیری‌های سریع و به موقع برای سیاستمداران پدید آورده است.

ساختار کثرت‌گرای جوامع غربی که در آن ده‌ها گروه، سازمان و نهاد در شکل دادن به سیاست خارجی مؤثرند، مشکلات بسیاری در راه تنظیم و اجرای سیاست خارجی فراهم می‌کند و رهبران را در این گونه جوامع با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌سازد. در حالی که در جوامع سوسیالیستی غیبت گروه‌های مزبور به رهبران سیاسی و سیاست‌گذاران این فرصت را می‌دهد تا با تعدادی اندک از شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری آزادانه به اتخاذ استراتژی‌هایی مبادرت کنند که برای تأمین منافع ملی آن‌ها باشد.

در نهایت اگر مردم از حکومت پشتیبانی کنند (همان‌گونه که انگلیس‌ها در ۱۹۴۰ چنین کردند)، قدرت ملی يك دولت دمکراتیک به مراتب از يك دولت توتالیتار، عمده‌تر بر انضباط خشک تکیه می‌کند تا بر مشارکت فعال مردم، بیشتر است.

د) اعتبار ملی: موقعیت يك دولت در جامعه جهانی می‌تواند عامل مهمی در افزایش یا کاهش قدرت آن واحد سیاسی به‌شمار رود. پیروزی يك دولت در جنگ آسیب‌پذیری آن در مقابل هجوم خارجی، داشتن متحدان قوی، موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی و صنعتی و اتخاذ استراتژی‌های مستقل، جملگی از مواردی هستند که می‌توانند به افزایش اعتبار يك دولت کمک فراوان کنند. مثلاً: سیاست‌های خشن ترک‌های عثمانی در نیمه دوم قرن ۱۹ در شبه جزیره بالکان سبب شد تا دیزرائیلی، نخست وزیر وقت بریتانیا متحد عثمانی در مراحل اولیه بحران ۱۸۷۵ - ۱۸۹۸ خاور نزدیک، نتواند به روسیه اعلان جنگ دهد، ولی پس از آنکه ترک‌ها شجاعانه از «پلونا» دفاع کردند، این وضعیت سبب گردید تا آن‌ها اعتبار از دست‌رفته خود را بازیابند.

۴- عوامل جغرافیایی: وسعت، شکل، وضع طبیعی، مرزها و وضعیت اقلیمی مهم‌ترین عواملی هستند که باید در ارزیابی قدرت کشورها مورد توجه قرار گیرند. سرزمین وسیع، ضمن آنکه می‌تواند نیروی انسانی بسیاری در خود جای دهد، در دوران جنگ امکان عقب‌نشینی نیروهای نظامی را فراهم می‌کند و موقعیت تسخیرناپذیری به آن می‌دهد. همین وسعت خاک باعث شد روسیه در خلال جنگ با ناپلئون و آلمان نازی نیروهای خود را صدها کیلومتر به عقب بکشد و مشکلات بسیاری را از لحاظ پشتیبانی و تدارکات برای دشمنان به‌وجود آورد و از این طریق آن‌ها را شکست دهد.

عامل دیگری که در چارچوب جغرافیا باید مورد توجه قرار گیرد، وضع طبیعی قلمرو کشور است. مثلاً: کانتون‌های سوئیس به لحاظ پستی و بلندی و فراز و نشیب‌های زمین توانستند استقلال خویش را در قرون وسطی در مقابل هابسبورگ‌ها حفظ کنند. در جنگ‌هایی که در این دوره رخ داد، سلسله جبال آلپ سبب شد تا هیچ‌گاه آلمان‌ها اندیشه فتح سوئیس را در سر نپروراند. همچنین موقعیت کوهستانی یوگسلاوی باعث شده که آلمان‌ها نتوانند در خلال جنگ جهانی دوم کاملاً بر آن مسلط شوند. نظریه‌پردازان متعددی در سیاست بین الملل بر موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن بر قدرت ملی تأکید کرده‌اند که از جمله می‌توان: «مکیندر»، «هاسوفر»، «راتزل» و «لیکن» را نام برد.

- **نظریه مکیندر:** این جغرافیدان اسکاتلندی، اذعان می‌کرد که در جهان يك جزیره بزرگ جهانی مرکب از قاره‌های آسیا و اروپا وجود دارد که در داخل این جزیره، «**سرزمین قلب**» وجود دارد و دولتی که بر این سرزمین مسلط شود، بر جهان حکومت خواهد کرد. محدوده این سرزمین از يك سو به رودخانه ولگا و اقیانوس منجمد شمالی و از طرف دیگر به کوه‌های هیمالیا و رودخانه زرد منتهی می‌شود. وی معتقد بود که سیاست جهانی در مرحله نهایی، کشمکش میان قدرت‌های بری و بحری است، بنابراین «سرزمین قلب» از خطرهای ناشی از تهاجمات دریایی مصون و آسیب‌ناپذیر است.

- **نظریه هاسوفر:** این ژئوپلیتیکس آلمانی بر این نظر بود که آلمان نوعی رسالت تاریخی دارد و باید تمام ملل آلمانی‌زبان تحت واحد قرار گیرند و دولت‌های ناتوان مجبورند «**فضای حیاتی**» به آلمان بدهند.

- **نظریه راتزل:** وی به تأثیر عوامل جغرافیایی در زندگی و توسعه دولت‌ها پرداخت و رشد دولت‌ها را با ارگانسیم‌های طبیعی مقایسه کرد.

- **نظریه لیکن:** این نظریه‌پرداز سوئدی تأثیر محیط را بر انسان از لحاظ فیزیکی، روانی، مردم‌شناختی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد، کتاب وی با عنوان «قدرت‌های بزرگ» بعدها به صورت انجیل ژئوپلیتیکس‌های آلمانی درآمد. لیکن در چارچوب پان‌ژرمانیسم، برای رشد و زندگی آلمان و فضای مورد نیاز آن بر مناطقی چون اروپای مرکزی و شرقی، اسکاندیناوی و آسیای صغیر تأکید می‌کردند.

۵- عوامل نظامی: در اغلب موارد، هنگامی که از قدرت ملی سخن می‌گوییم نیروی نظامی به ذهن متبادر می‌شود. در این چارچوب باید سلاح‌ها و تجهیزات جنگی، کم و کیف افراد نظامی، رهبری، بودجه نظامی، پایگاه‌ها فنون نظامی، تحرك نیروها و امکانات تدارکاتی لجستیکی مورد توجه قرار گیرند. آنچه مسلم است، عامل نظامی را نباید به صورت متغیری مستقل بررسی کرد. زیرا قدرت نظامی خود تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک، اقتصادی، روانی و ژئوپولیتیکی قرار می‌گیرد.

۶- عوامل اقتصادی: ظرفیت نظام سیاسی برای تجهیز و تحرك در جهت بهره‌گیری درست از منابع موجود به توانایی نظامی يك کشور برای شرکت در يك جنگ طولانی به توانایی‌های اقتصادی و قدرت اقتصادی يك کشور بستگی دارد. از این رو باید متغیرهایی چون تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، درجه وابستگی و یا عدم وابستگی يك دولت به منابع ملی و اقتصادی را در نظر گرفت. در این راستا بود که در شوروی سابق، توازن میان توسعه اقتصادی و نظامی آن مشاهده نمی‌شد و بر همین اساس بود که گروهی این دولت را ابرقدرت «توسعه نیافته» می‌خواندند.

جمع‌بندی ویژگی‌های قدرت

- ۱- قدرت و هدف‌های ملی: قدرت توانایی حصول به هدف است؛ بدین معنا که بدون برخورداری از توانایی کافی، دسترسی به هدف‌ها میسر نمی‌شود.
- ۲- حوزه اطلاق قدرت: يك واحد سیاسی نمی‌تواند به يك نسبت، دیگر دولت‌ها را تحت تأثیر قدرت خویش قرار دهد. حوزه اطلاق قدرت به نسبت قابلیت‌ها و توانایی‌ها يك دولت در نوسان است.
- ۳- دینامیزم (پویایی) قدرت: نباید انتظار داشت که میزان قدرت و توانایی يك دولت همواره به يك اندازه ثابت باقی بماند.
- ۴- نسبی بودن قدرت: ممکن است قدرت و توانایی يك واحد سیاسی در مقابل دولت بالا تلقی شود، در حالی که توانایی همان واحد سیاسی در قبال دولت‌های دیگر کمتر باشد.
- ۵- توزیع نابرابر قدرت: در عرصه سیاست بین‌الملل، تمامی واحدهای سیاسی به يك نسبت از قدرت و توانایی برخوردار نیستند. زیرا توزیع قدرت در نظام بین‌الملل نابرابر است و دولت‌ها می‌کوشند سهم بیشتری از قدرت را به خود تخصیص دهند.